

نابود باد امپریالیسم جهانی  
بسزکردگی امپریالیسم آمریکا  
وپایگاه د اخلیش

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۳۰

چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۰

۲۰ صفحه

# علیرغم اخراجها، دستگیریها، بازجوئیها و اعمال فشارها مدارس بسان بشکه بارونی آماده انفجار است

«پرورش» این عنصری مایه و زبون که  
ما برای سوابق درخشان سرسپردگیش به  
رژیم شاه در مجلس رژیم جمهوری اسلامی  
توسط همپا لکیش خلخالی بر ملا گردید،  
بلافاصله پس از انتصاب به وزارت آموزش  
و پرورش اعلام داشت که «۱۱ سال با بدسال  
حاکمیت حزب الله در مدارس باشد» در اجرای  
این هدف ضد خلقی بود که از نام نویسی

دانش آموزان مترقی و مبارز و وضو  
امپریالیست خودداری کردند، عده ای از  
آنان را هنگام امتحانات تجدیدی دستگیر  
و روانه زندانها کردند و اینک هم هر روز -  
تعدادی از دانش آموزان را با زداشت می  
کنند و با سلط کردن انجمنهای اسلامی بر  
مدارس و همچنین دخالت دادن سپاه  
بقیه در صفحه ۷

## بگوئیم یا تمام توان مبارزات و اعتراضات توده ای را سازماندهی کنیم

در شرایطی که رژیم ترور و اختناق بر  
میهن ما سایه افکنده است و همه روزها  
تن از انقلابیون ایران بخوخه عسدام  
سپرده می شوند، و هزاران تن از نیروهای  
انقلابی در زیر شکنجه های حیوانی و قرون  
وسطائی رژیم در زندانها سمر می برند. در  
شرایطی که انبوهی از کارگران، محصلین  
معلمین، کارمندان مبارز و انقلابی بجرم  
دفاع از آزادی، از انقلاب و منافع توده  
های مردم اخراج شده و هزاران تن دیگر  
در شرف اخراج، بازداشت و اعدام قرار  
دارند، و خلاصه در شرایطی که سیاست ترور  
و اختناق رژیم رعب و وحشت در میان توده  
ها پدید آورده است، در چنین شرایطی  
و وظیفه ای بسیار سنگین و عظیم است  
سرنوشت ساز پرورش نیروهای انقلابی  
بویژه کمونیستهای ایران قرار گرفته  
است. شرایط دشوار کنونی از کمونیستهای  
ایران بزرگترین قهرمانها، فداکارها  
و از خود گذشتگی ها را که باید در سرشت هر  
انقلابی اصل قرار داشته باشد، طلبد.  
انقلابی کسی نیست که تنها در شرایط  
سهل و آسان فعالیت قانونی بمیسازد  
مبارزه سیاسی روی می آورد. انقلابی

# نیروهای مسلح و انقلاب (۱) شهربانی

خود ویژگی شرایط کنونی که همانا  
کشاکی بین انقلاب و ضد انقلاب است، حادث  
شدن بیش از پیش بحران اقتصادی و ناتوانی  
رژیم در برپا سخگوشی به آن، نیروهای حاد  
طبقه ای را در آینده ای نه چندان دور نوید  
میدهد، چنانکه از هم اکنون نیز شاهد تقابل  
نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در عرصه های  
گوناگون هستیم. در این رابطه از آنجا که  
در سرکوب و مقابله با حرکات توده ای و  
نیروهای انقلابی، ارگانه های مسلح رژیم  
بقیه در صفحه ۸

# اعدا و همای دسته جمعی انقلابیون رژیم و از بحر آن گنونی نجات نخواهد داد

هنوز خا طره جنايات و سرکوب های رژیم  
ترور و اختناق پهلوی در اذهان توده های  
ستمکش میهن مان محو نشده بود، که سرکوب  
رژیم جمهوری اسلامی و ارتجاع، تازه بقدرت  
رسیده بر فرق سر توده ها فرود آمد. آزادیها  
- شی که توده ها با نشان خون خویش بر سنگ  
فرش خیا با آنها و جانفشانیهای عظیم خود  
در قیام میهن ما یکف آورده بودند، یکی  
پس از دیگری مورد هجوم ارتجاع حاکم قرار  
گرفت. فضای دمکراتیکی که پس از قیام -  
میهن ما در میهن ایجاد شد، دیری نپایید  
و بتدریج جای خود را به حاکمیت ترور و -  
اختناق لجام گسیخته داد.  
بقیه در صفحه ۸

- در این شماره
- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- ارگان سازمانی و نقش آن
- مانورهای دیپلماتیک رژیم

مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

### بکوشیم با تمام توان...

بقیه از صفحه ۱  
کسی است که در دشوارترین شرایط هنگامیکه هر لحظه خطر زندان، شکنجه و اعدام او را تهدید می کند، استوارتر از همیشه وظایف انقلابی خود را انجام دهد.

تاریخ اخیر بشریت بدون استناد از فداکاری، از خودگذشتگی و قهرمانی کومنیستهای که در زنجیرنگال خون آشام ترین رژیم های تاریخ دشوارترین وظایف انقلابی را با تمام توان سرانجام دادند است که در برابر اراده پولادین و عزم استوار نیروهای انقلابی هیچ مانعی را کارساز نیست. انقلابیون در تحت هوشیاری قادرند مبارزه خود را از پیش برود و توده های مردم نیز هیچگاه کسی را که در دشوارترین شرایط نبرد راه منافع و آرمانهای آنها مبارزه می کنند فراموش نخواهند کرد. از این لحاظ کومنیستهای ایران یکبار دیگر در برابر آزمون تاریخ قرار گرفته اند، آزمونی که نشان دهنده میزان ایمان و عشق خلق ناپذیر به توده های مردم و طبقه کارگر است، آزمونی که حیثیت و اعتبار جنبش کومنیستی در سالهای آینده بسته به این است که از این آزمون سرفراز بیرون آیند. اینست که امروز همه نیروهای انقلابی بویژه تمام رفقا و هواداران سازمان با بدو طبقه دشوار روحساز کنونی را درک کنند و با تمام انرژی و ابتکار وظایف انقلابی خود را در شرایط کنونی انجام دهند.

امروز پیش هر اعلامیه و نشریه، نوشتن هر شعار بر در دیوار، برانگیختن جزئی ترین مقادیر و متها در برابر رژیم ترور و اختناق تیری است که مستقیماً بر قلب جنایتکاران حاکم می نشیند. امروز هر تلاش شبانه روزی، هر استقامت و پایداری هر تحمل دشواری قدیمی است که بسا دگمی فضای رعب و وحشت را درهم می کشد، زیرا این فضای رعب و وحشتی که رژیم پدید آورده است کاملاً پوشالی و زفرط بیاس و نومیدی است. این شرایط نمیتواند مدتی مدید پایداری باشد. رژیم در چنگال یک بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است، بحرانی که نه تنها با گذشت زمان مدام با شدت آن افزایش یافته است بلکه در همان حال تا توانی رژیم را در مهار کردن آن با شکست رسانده است و چندان نخواهد پایداری که نتایج اجتناب ناپذیر خود را در حرکت توده های مردم سقوط رژیم نشان دهد. اوضاع و احوال با اقتصاد و نشان می دهد که رژیم بهیچوجه قادر نیست به اقتصاد جامعه سر و سامان بخشد، بحران کنونی را مهار کند، تضادهای اجتماعی را که تحت تاثیر این بحران ملاحظه می شوند، تخفیف دهد و خود را از حواصیل و خیم این بحران نجات بخشد. نه تنها در عرصه اقتصاد بلکه در عرصه سیاسی نیز رژیم ورشکستگی خود را نشان داده و با شکست رسانده است. رژیمی که بی پروا هر روزدهها تن را بجوخه اعدام می سپارد، تنها ورشکستگی اخلاقی و سیاسی خود را با شکست می رساند، این رژیم بنا بدلائل اقتصادی و سیاسی قادر نیست بموجودیت سنگین اش ادا دهد، و هر چه فشار خود را

بر مردم بیشتر تحمیل می کند، بهمان اندازه نیز سقوط آن تسریع می گردد. بنا بر این تلاش و در جهت حفظ محیط رعب و وحشت دیری نخواهد پاید و بزودی انفجار خشم انقلابی توده ها، طومار سنگین رژیم را درهم خواهد پیچید. ما منتها با این نباید بسنده کرد که فشارهای اقتصادی و سیاسی موجود سرانجام خشم انقلابی توده ها را برخواهد انگیزد، بلکه باید منتهای تلاش و کوشش خود را بکار گرفت و با این انفجار را تسریع کرد، باید در نظر داشت که در شرایط ترور و خونخواران، در شرایطی که هر روزدهها تن بجوخه اعدام سپرده می شوند، نمیتوان در یک لحظه از توده های مردم انتظار حرکات گسترده و وسیع را علیه رژیم حاکم داشت. نباید از توده های مردم انتظار داشت که همانند یک عنصر آگاه از خود مفاومت و واکنش نشان دهند، در شرایطی که توده های مردم موعوب شده اند باید تلاش کرد که نزدیکترین ارتباط و پیوند را با آنها حفظ کرد، باید تلاش کرد که از کوچکترین تجلی نارضایتی در میان مردم وسیله ای برای حرکت توده ای، سازماندهی اعتراضات فوران خشم انقلابی توده ها پیدا کرد.

در هر روز میتوان مدها مسئله کوچک و بزرگ را پیدا کرد که از طریق آنها اعتراضات توده ای را برانگیخت. اما باید آموخت که چگونه در شرایط دشوار کنونی، در شرایطی که کوچکترین صدای اعتراض مردم را در گلو خفه می کنند، منازعات مردم را سازمان داد و چگونه با اید تمام جو بیار و های پراکنده نارضایتی را بیک سیلاب تبدیل و فتنه و بستیان کن بدل کرد و سکوت ناشی از رعب و وحشت را درهم شکست. این کار استقامت، سرسختی و ابتکار را می طلبد. باید حتی از پیش افتاده ترین و ابتدائی ترین خواسته ها و اعتراضات و ساده ترین حرکات آغاز کرد. اگر هر رفیق کارگر در کارخانه ای که کار می کند، از کاهش دستمزد کارگران، مفاومت در برابر اخراج، مقابله با زورگوییهای جاسوسان انجمن اسلامی و در برابر برهبران فاشرماندی و مملوس روزمره به کارگران، آنها را به مقاومت و مبارزه برانگیزد، اگر هر دانش آموزی دوستان دانش آموز خود را به مفاومت در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان، مقابله با زورگوییهای انجمن اسلامی و مورتریستی، مبارزه علیه خفقان حاکم بر مدارس، دعوت کند، اگر هر رفیقی وظیفه خود را در هدایت نارضایتی مردم را از گروانی و کمبود ما بحتاج روزمره در مفاومت های طویل خریدار زاق سازمان دهد، اگر آوارگان جنگی، که در بدترین شرایط بسر می برند، حول خواسته هایشان بسیج کنیم و با اعتراض و ادارایم، اگر کارمندان ادارات را به ایستادگی در مقابل اخراج و کاهش حقوق دعوت نماییم و دهها مسئله دیگر.

آنگاه این جو بیارهای پراکنده خشم و نارضایتی مردم بیک سیلاب عظیم علیه رژیم بدل خواهد شد که هیچ نیروی را با رای مفاومت در برابر آن نیست. پس بکوشیم و تلاش خود را دهها بار بیشتر کنیم و با تمام انرژی و ابتکار خود مبارزات و اعتراضات توده ها را سازماندهی کنیم و آنها را به مقابله، مفاومت و ایستادگی در برابر ارتجاع حاکم و سرنگونی آن - فراخوانیم.

### درس امروز آغاز جنگ ارتجاعی

### نبرد علیه حکومت ارتجاعی

### گسترش و گهیم

یکسال از آوارگی بیش از دو میلیون زحمتکشی میگذرد که سرما و گرما را در بی مسکنی، گرسنگی، بیکاری و عدم امکانات بهداشتی در اردوگاهها می بسر برده و می برد که غالباً "فقدان قنات مکانات جهت زندگی" میباشند. رژیم زهمان لحظه شروع جنگ، آوارگان را خاش، فراری یا ضد انقلاب و غیره نامید. یکسال از دروغ و عام فریبی رژیم در برابر کمک رسانی به آوارگان میگذرد و آنچه که در واقعیت به آنان داده است همانا سرکوب همه روزه آوارگان در خوابگاهها، اردوگاهها در اشکال گوناگون میباشند. رژیم با ریختن آب به زیر پای آوارگان و مقابله با تصرف انقلابی آپارتمانهای سرمایه داران و دولت و ایجاد درگیری و نزاع در پوشش شیرازی و آبادانی و مقابله با تشکیل شوراها و آوارگان و شکاف فرزندان انقلابی آنان بیش از پیش چهره کرب خود را بنمایش گذاشته است و در نهایت بر شدت فقر، فلاکت، بیکاری و گروانی افزوده است. امروز ما آوارگان بخوبی پی برده ایم که این رژیم تا کجا پیش برده کارگران و زحمتکشان نبوده و بلعکس نه تنها در مقابل به سیاست فریب و سرکوب - متوسل شده است بلکه به راه انداختن این جنگ ارتجاعی بیش از پیش در جهت منافع سرمایه داران و تجار بزرگ و زمین داران این متحدان داخلی امپریالیسم آمریکا گام برداشته است.

ولی در خوابگاهها و اردوگاهها و هر کجا که شوراها و واقعی وجود داشته و از حمایت آوارگان برخوردار بوده است حاکمیت نتوانسته است که بسا دگمی سیاستهای ضد مردمیش را اعمال کند.

زحمتکشان جنگزده اشوراها را همه جا برپا کنید و در سنگر شوراها مبارزه متحدانه و دورا نسا زکونی را تداوم بخشیم. مدرسه ها که هستیم، در کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله و خوابگاهها شوراها تشکیل بدهیم. حال بگذار که رژیم سرمایه داران در سالگرد جنگ ارتجاعی جشن بگیرد و بسا آوارگی و بدبختی ما اعتبار نکند و بجای ما قطعنامه های رنگارنگ در ارتباط بسا تانید جنگ (جنگ) ما در کند.

دیر نیست روزی که رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی نیز بر نوشت محتوم تمام می رژیمهای سرمایه دارانی دچار شده و بدست توانای کارگران و زحمتکشان میهنمان به زباله دان تاریخ سپرده شود.

مرگ بر سر جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها و انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان هواداران جنگزده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز ۶۰/۶/۲۵

# ورود کارگران کشور و ایسته گره جنوبی

## به شیراز خیانت جدید رژیم

قسمتی از اعلامیه کارگران پشرو صنعت  
نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

### کارگران وزحمتکشان ایران!

هنوزمان زیادی از قطع روابط ایران با کره جنوبی این کشور وابسته به امپریالیسم آمریکا نگذشته است که حدود مدتی از کارکنان این کشور تحت نام فریبنده کارشناسان از خارج و ردا بران شده و در مجتمع طرح گسترش پتروشیمی شیراز به کار مشغول شده اند.

آری نوکران امپریالیسم آمریکا در ایران آربابی میکنند. کارکنان کره جنوبی با حقوقهای گزاف به کارگمارده شده اند و در یکی از هتلهای مجلل شیراز زندگی میکنند. در کارخانه از ستوران جداگانه ای که ایرانیان حق ورود به آنجا را ندارند استفاده میکنند. حتی غذای آنان با کارگران و کارمندان ایرانی متفاوت است، به کره ایها علاوه بر یک وعده غذای ساده و میوه نیز داده میشود (که به کارکنان ایرانی تعلق نمیکرد) این اقدام رژیم جمهوری اسلامی در زمانی صورت میگردد که بیش از پنج میلیون کارگری که در سراسر کشور داریم که بخش اعظم دارای تخصصهای عالی بوده و تجارب زیادی در اجرای پروژههای صنعتی بزرگ دارند علاوه بر این تعداد زیاد ای از کارکنان مناطق جنگزده جنوب که دارای تخصصهای عالی در سطح بین المللی میباشند نیز تاکنون کاریایی نشده اند و به همراه سایر کارکنان صنعت نفت با رها آمدگی خود را برای اتمام این طرح (پروژه) به مسئولین اعلام نموده اند.

اگر امروز هتل مجلل در اختیار کارکنان کره جنوبی قرار داده شده، نمایندگان شورای صنعت نفت به جرم دفاع از منافع کارگران و خواستن مسکن برای جنگزدگان جنوب در شیراز و ماهشهر به حبسهای ابد و ده سال و پنجاه سال محکوم شده اند. شش تن از کارکنان همین طرح گسترش پتروشیمی شیراز به علت دفاع از منافع خود و همکاران از کار منصرف شده اند. کارگران سریندر به جرم خواستن آب سرد در گرمای ۵۰ درجه جنوب بوسیله پاداران سرما به کلوله بسته میشوند. کردستان قهرمان محاصره اقتصادی شده و به شهرهای آن بمب تا بالم ریخته میشود. نوده ها مورد بیورش و حشایش قرار گرفته، کارگران شهرک قزوین به رکیار منسل بسته میشوند. روزانه ده ها تن از بهترین فرزندان مجاهد فدائیی خلق و سایر انقلابیون فقط و فقط بجرم دفاع از منافع خلق یعنی مبارزه در راه استقلال، کار، مسکن، آزادی به اعدام محکوم میشوند.

# جنبش کارگری



### کارگران وزحمتکشان!

رژیم جمهوری اسلامی که سر اسیمه دسته اعدای بی باقیه زده است دیگر چه سره وابسته خود را با آوردن کارکنان خارجی بیش از پیش آشکار نموده است. در این میان با توجه به شرایط حساس جدیدی که بوجود آمده مسئولیتها و وظایف مهمی به شرح زیر بعهدتک تک ما است.

- ۱- تجارب سالهای سیاه رژیم وابسته مغفوری به ما نشان داده که هرگاه رژیم به سرکوب نیروهای انقلابی پرداخته هم زمان با آن به کارگران وزحمتکشان نیز یورش آورده است.

علاوه بر دستگیری نمایندگان کارگران و ورود کارکنان خارجی کره جنوبی هم زمان است با یورشهای جدید حاکمیت به سطح دستمزدها و سایر مزایا و امتیازاتی که کارگران طی سالین سال مبارزه و تحمل شکنجه ها و اعدایا و تبعیضها بدست آورده اند. در این میان ضروری است با مستحکم نمودن صفوف خود و تقویت شوراها و واقعی بمقابله با اقدامات ضد کارگری رژیم برخیزیم.

۲- اخبار اعدایا و جنایات رژیم را با تمام امکانات به همراه اخبار اعتراضات و اعتصابات، بگوش سایر کارگران وزحمتکشان شهر و ده برسانید. اعلامیه های نیروهای انقلابی را خوانده و به آشنایان نیز بدهید تا بخوانند.

۳- با طرد عناصر انجمنهای اسلامی که چهره های نامعنوان جاسوسان حزب جمهوری افشاء شده خائنینی چون بوده ایها و اکثریتی های راست را که این روزها بیش از پیش نوکری جیره و مواجب رژیم شده اند و اقدام های رژیم را تحت پوشش با صلاح میا رزات ضد امپریالیستی رژیم حمایت میکنند افشاء نموده و از صفوف خود برانید.

۴- استقلال، کار، مسکن، آزادی، مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شورا های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان، نابود باد امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا و یابیکا هداخلی - اش - کارگران پشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان.

# اعتصاب یکبارچه و شکوهمند کارگران آستار لایت

بدنیال قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه و تمویض مدیران لیبرال بعضی از کارخانه ها، با مدیران "مکتبی"، مدیریت لیبرال کارخانه استار لایت نیز تغییر میکند و بجای آن دو مدیر "مکتبی" به نامهای خیبری و شجاعیان از طرف دولت به کارخانه فرستاده میشود. مدیران مکتبی از بدو ورود، در ادامه حركاتی ضد کارگری مدیران سابق، دست به حرکتی از جمله قطع مزایا، پرداخت به دستمزد در آخر ماه تجاری، دو هفته یکبار، تحت فشار گذاشتن کارگران زن در مورد رعایت حجاب اسلامی و... میزنند. مدیران مکتبی که به پیشگرمی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در کارخانه تخت و تا میگردند، اینبار به حرکت ضد کارگری دیگری دست میزنند، که با اعتراض یکبارچه و با شکوه کارگران مواجه میشوند.

مدیر مکتبی در ادامه اعمال ضد کارگری خود، روز چهارشنبه ۲۴/۶/۶۰ حکم اخراج یکی از زنان کارگر را بدلیل نداشتن روستی صادر میکند، کارگر دیگری چون روستی را مدل حجاب اسلامی نبسته، مشمول همین حکم میشود. زنان کارگر که از این عمل مدیریت خشمگین شده بودند دست از کار میکشند و همگی برای درمیان گذاشتن مسئله با کارگران مرد به آنها روستی میروند (ساعت آنها مردان، بعد از زمان است) بعد از مطرح کردن موضوع، کارگران همگی از اخراجیها حمایت کرده و از رفتن به سزاکارها نشان خود را میگیرند. آنها میگفتند: "امروز اینها را اخراج میکنند، فردا نوبت ما است" آنها ضمن حمایت از اخراجیها علیه مدیران ضد کارگرا میگردند. همچنین به عدم پرداخت حقوقشان در موقع مقرر - همیشگی (هر دو هفته یکبار) اعتراض داشتند. رئیس شورا که حامی مدیران است پشت تریبون رفته و میگوید: "این مدیران از طرف دولت آمده اند، ما نمی توانیم کاری بکنیم". کارگران یکصد میگویند: "مال بدبختی ما چیست، مدیران از ترس آفتابی نمیشوند. کارگران یکی پس از دیگری پشت تریبون قرار میگیرند و ضمن افشای دزدیهای مدیران شکلات مشترکشان را با هم در میان میگذازند. کارگری میگوید: "وقتی من بجهام مریض است، پول ندارم به دکتر بروم، ۲۰۰ تومان از همکارم قرض میگیرم و وقتی پول دکتر بیشتر میشود، بجهام میگویند: پدر من خالم خوب است، در حالیکه در بپ میسوزد، این درداست. تجمع کارگران با شورو هیجان و افشای علیه مدیران ضد کارگرا تعطیل شدن کارخانه (بعد از ظهر) ادامه مییابد. در آخر، بقیه در صفحه ۲

# دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

# ارگان سازمانی و نقش آن (ه)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان = نشریه = سازمان دهیم.

گفتیم که تاما می تشکیلات و طیف مرتفع  
با آن با بد در خدمت توزیع ارگان با شنید  
و بهر طریق ممکن در جهت زمان دادن این  
امریکوشند ولی این یک سوی مساله است  
از سوی دیگر تاما می تشکیلات با بد در خدمت  
تهیه ارگان قرار گیرد.

در این رابطه با یدا ز تاما می شبکه ای  
که جهت توزیع ارگان ایجاد میگردد و از  
تاما می کانالهایی که ارگان پخش میشود  
سودبرد. (کلا) رفقا با یدا ملافت کنند  
این شبکه وسیعترین شبکه سازمانی است  
که مستقیمترین و بیشترین ارتباط را با  
توده ها دارد. با یدا این شبکه را در عین سود  
بردن جهت توزیع و تهیه ارگان در خدمت  
تهیه امکانات مثل خانه، اتومبیل وسایل  
ضروری و... و کمک مالی قرار دهیم (هر  
رفیق، هر هوادار، هر کارگر پیشرو، هر دانش  
آموز، هر زحمتکش مبارز یک شاخک حساس است  
که با یدا می حرکات جا مع را به ارگانهای  
سازمانی منتقل کند. همه رفقا با یدا علاوه  
بر اینکه در جا مع نقش بیک سازمانی را -  
ایفا میکنند خیرنگاران سازمان نیز  
باشند. این کاری نیست که فردی فقط  
یک عامل فعال در پخش و مرور روزنامه  
باشد. بلکه لازم است که به خود روزنامه کمک  
کند... (اصول تشکیلات حزب کمینترن).  
"برای اینکه بتوان امور مربوط به  
شهر و دولت را در روزنامه (البته نه در رساله  
ساده) نوشت یا یدا را که تازه و همه جا نرسیده  
در دست داشت که توسط شخص کار دانی کرد  
- آوری و تهیه شده باشد... برای این امر  
شناوری از نویسندگان کار شنا منمخبرین  
کار شنا و ارتشی از خبرنگاران سوسیال  
دمکرات لازم است که با همه و هر جا را بپوش  
قرار سازند. بتوانند "اسرار دولتی" را (که  
کارمند دولتی روس آنقدر به آن میبالد  
و آنقدر آن را بروز میدهد) بدست آورند  
و در هر پشت پرده ای را یدا بندند (لنین  
چه یدا کرد؟ تاکیدات از تاما می سازمان  
نیا زبانشگری از خبرنگاران دارد.  
لشگری که در هر جا بپوشد با یدا می اختیار  
و وقایع کارخانجات را به ما برساند.  
اتفاقات، بخشنامه ها و "اسرار" ادارات  
و وزارتخانه ها را سریعاً منتقل کند. بنیض  
جنبش دانش آموزی و دانشجویی را در دست  
سازمان نهد. یدا می بگوید که در هر محل توده  
ها چگونه می اندیشند و مشکلاتشان چیست،  
خواستها و نیاهای روستاییان و شیوه های  
پیشبرد آنها برای ما بنویسند. لشگری از  
خبرنگاران که در هر جا حضور دارند و سازمان  
را از هر واقعه، هر تغییر، هر جنبش، هر حرکت  
رژیم و توده ها آگاه میسازد. هر اتفاقی  
که در کارگاه می افتد، چه اجتماعی و چه  
اقتصادی از وقوع یک حادثه تا جلسه عمومی

کارگران، از رفتارنا شایستی که با یک  
کارآموز شده تا گزارش مالی، با یدا با فلا  
به روزنامه گزارش شود. بخشهایی که در  
اتحادیه های کارگری کار میکنند موظفند  
که کلیه تصمیمات و مصوبات مهم را که در  
جلسات ویا توسط دبیران اتخاذ شده اند و  
همچنین کارهای مشخصه دشمنان ما را به  
روزنامه ارسال دارند. زندگی عمومی در  
خیابانها و در مجالس معمولاً "به اعضا" یا  
دقت حزب او موقعیت را میدهد که انتقادات  
اجتماعی مؤثرا فتهای ا می طرح نمایند...  
(اصول تشکیلات حزب کمینترن - تاکید  
از تاما می).

رفقای کارگری با یدا اتفاق کارخانه،  
هر گفتگویی که بین نگردنیات کارگران  
است، هر حرکت اعتراضی هر خواسته و تمایل  
کارگران، هر برخوردی که با کارفرما یا  
عواملش پدید می آید، تاما می حرکات انجمن  
- های اسلامی، شورا و مدیریت... را به  
ما گزارش دهند.

رفقای دانش آموزی با یدا می وقایع  
مدرسه، برخوردهای آموزشی، نظریات  
دانش آموزان، حرکات و مبارزات آنان،  
پیشرفت فعلیتهای صنفی و سیاسی، شکل  
- های موجود و... را برای ما بنویسند.  
تاما می رفقا موظفند نظریات توده ها، بر  
خوردهای مردم با یدا می، شیوه برخوردشان  
با رژیم، جو سربوب، نیروهای مترقی و  
مسائل اجتماعی، مشکلات محل و شیوه حل  
آن و... را گزارش دهند. ما با یدا می در هر جا  
یا شیم، شما رفقا با یدا می زمان را به هر جا  
بپوشید. تحریر ارگان با یدا می کارخانه  
هر روستا، هر محله و هر مدرسه و پادگان -  
حضور داشته باشد و تاما می وقایع و  
اتفاقات آن را اطلاع یابد.

اتفاقات و جنبش، اخبار حرکات رژیم  
و عوامل آن را گزارش دهید. در اداره تان  
بدنبال کسب خبر باشید، از کارخانه  
بخشنامه ها را ارسال کنید از محله حرکات  
سیخو مسجد و کمیته و حزب الهی ها را  
بنویسید. خبرها دگی بدست میاید ما  
با یدا می ترا پرورش داد. با یدا می ملافت توتوی  
قضیه را در آورد و گزارش را کامل کرد با یدا  
دنبال وقایع را گرفت. برخورد منفعل  
در این مورد بدترین نوع برخورد است. اگر  
می شنویم سرخپایان یا ساداری ترور شده  
نیا یدا می من مساله را گزارش کنیم، با یدا  
شورا "در محل حضور یا بیم، نظرات مردم،  
برخوردهای موجود و کنش های ارگانهای  
سربوب و غیره را بنویسیم. اگر میدانییم در  
محله ای خانه گردی شده است یا یدا می  
رفت (مسلمان) یا توجیه مناسب از تاما می  
جوانب مساله و تا کتیکیهای رژیم اطلاع -  
حاصل کرد، هرگاه در کارخانه تان کارگران

یک قسمت اعتراض را سازمان داده اند  
با یدا می شیوه ای مختلف (که مسلماً "هر  
کارگری چندین روش در این مورد میداند  
با آنان تماس برقرار نمود و گزارش کاملی  
از مساله تهیه کرد. اگر می شنوید در پادگان  
افسری دست به تنبیه بدنی زده است یا  
بخشنامه ای از ستاد مشترک آمده با یدا می  
شکردهای خاص و مبتکرانه از چند و چون -  
قضایا پرده بر گرفت و آنگاه گزارش داد.  
با یدا می خبر را دنبال کرد، با یدا می ترا پرورد  
سین گزارش داد. (این مساله به معنای آن  
نیست که هرگاه یدا می استیم یدا می خبر  
برویم گزارش بنویسیم بلکه به معنای لزوم  
پیگیری و جدوجهد در این مورد است.)  
نیا یدا می دگی از یدا می مسائل و مطالب  
گذشت خبری که در وهله اول به نظریا اهمیت  
میرسد آنگاه که با سلسله اخبار بدست آمده  
از تاما می تشکیلات جمع گردد ممکن است  
حلقه مهمی را تشکیل دهد. برخورد و اظهار  
نظری از سوی توده ها که بنظر بسیار عادی  
می آید آنگاه که در زنجیره صدها گزارش قرار  
گیرد خود حلقه ای از تحلیل ذهنیت توده  
ها را بدست میدهد. با یدا می دقت عمل کرد  
با یدا می جزیرا که به توده ها و جنبش آنان،  
و به رژیم و حرکاتش مربوط میگردد گزارش  
داد. اگر سوسیال دمکراتهایی که در  
مناطق مختلف کار میکنند، نشریه حزبی  
از آن خود پیدا کنند و ترتیب دادن ارتباط  
منظم با آن، بحث در باره مسائل و مشکلات  
آن و انعکاس دادن کل جنبش برای آن ران  
وظیفه اصلی خود پیدا کنند آنوقت است که  
میتوان خیلی ساده با یدا می نظر گرفتن  
احتیاطات امنیتی در باره تهیه اطلاعات  
کامل در باره جنبش مطمئن شد. (لنین  
یک مساله میرم - کلیات جلد ۳ - دوتا کی  
آخر تاما می)  
بله رفقا با یدا می کل جنبش را انعکاس  
داد و این مساله تنها و تنها یدا می  
است که هر رفیق در مورد جزئی که در آن قرار  
دارد بدقت و با پیگیری کامل عمل کند  
و سیستم منظم گزارش دهی از تاما می نقاط  
تشکیلات، توسط تاما می لشکر خبرنگاران  
شکل داده شود. از اینرو ما در شما به بعد به  
بررسی مساله گزارش دهی میپردازیم.

در تکثیر و توزیع آثار  
سازمان بکوشید

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



# نیروهای مسلح

## وانقلاب

بقیه از صفحه ۱

### ۱- شهرپائی

نقش و ویژگی خاصی میباید بین جهت لازم میدانیم، به بررسی وضعیت نیروهای مسلح رژیم برداخته، موقعیت و نقش آنها را ارزیابی کنیم. در این قسمت سعی ما بر اینست که تحلیل مختصری از شهرپائی، اعمال زویژی های آن، وضعیت آن در جریان قیام، وضعیت کنونی و چشم انداز آینده آن ارائه دهیم.

ابتدا میپردازیم به ویژگیهای شهرپائی: تا قبل از قیام توده های مردم کلانتری ها و شهرپائی را بعنوان اولین نیروی سرکوب کننده حافظ رژیم شاه در مقابل خود می دیدند برخلاف سایر ارگانهای مسلح - نظیر ارتش، زاندا رمی، نیروی هوایی... شهرپائی از آنجا که بدلیل وظایفش (بظاهر تا مین امنیت شهر) مستقیماً "بطور روز-مره در مقابل توده ها قرار داشت، بیش از سایر ارگانها بعنوان یک نیروی سرکوبگر برای توده ها ملموس بود، شنا سایی و دستگیری نیروهای انقلابی، جراثمراهنما - یی ورا شننگی، دزدبها، قاچاق و بخصوص با چبگیریها و رشوه خواربها از مردم کسه بطور گسترده و وسیعی رایج بود، از آنجا که مستقیماً مرتبط با مردم بود، نفرت و کینه مردم را بیش از سایر ارگانها برمی انگیزت با این دلیل بود که بحق توده ها آن را بمناسبت به اولین نیروی سرکوب در برابر خود می یافتند و بواسطه هم تا قبل از قیام شهرپائی علیرغم قدرت محدودش همیشه در رأس سرکوب حرکات توده ای قرار داشت. در تجربه قیام نیز توده ها بعینه شاهد شرکت وسیع و فعال کلانتریها و شهرپائی در کشتار مردم بودند و دیدند که چگونه کلانتریها و شهرپائی بیشترین مقاومت را از خود نشان میدادند بهمین جهت نفرت و کینه شان بیش از پیش گسترش یافت - ما شبنهای گارد - شهرپائی، ما موران کلاه خود بسر رژیم را همه در روزهای قیام میخوبی بیا ددارند و این چیزی نیست که بسادگی فراموش شود، بسه همین جهت است که می بینیم در جریان قیام نفرت توده ها بیش از سایر ارگانها گریبان - گیر شهرپائی شد، توده ها که کینه ای چندین ساله از این ارگان سرکوب دردل میپروراندند در قیام بهمین بعنوان اولین عامل سرکوب آنها را حمله خود قرار دادند و ظفر منداخته بسیاری از کلانتریها را وادار به تسلیم کرده و به تصرف خود درآوردند. بسیاری از فرماندهان مزدور که حکومت پושالی شاه را - جاودانی میدادند از ترس توده ها قهارا برقرار ترجیح میدادند، و برخی از آنها نیز گرفتار انتقام انقلابی توده ها شدند و در آویخته گردیدند. آری توده ها در سرخوبی به این مزدوران و سرسپردگان رژیم شاه دادند و این واقعیتی است انکارناپذیر

را بردوش دارد، حداکثر تلاش خود را در بازی ارگانهای ضربه خورده و منجمله شهرپائی بکار میبرد، از همان ابتدا سعی در بسی محتوا کردن تشکلهای توده ای (شوراها) - کرده و کمربند باودی آنها بست. اما از آنجا که با رشد و گسترش اعتراضات توده ای و فعالیت نیروهای انقلابی مواجه بود، به سادگی موفق به اینکار نشد اگرچه فتاوی مکرر خمینی برای پیشگیری از مبارزات - پرسنل انقلابی اعمال ارتش و شهرپائی تا حدودی موثر افتاد، اما تجربه هر چند اندک داره ما در متوسط ارگانهای منتخب پرسنل ما منع تسلیم بی قید و شرط آنها به خواستهای رهبری سازشکار است.

آنچه برای رژیم جمهوری اسلامی مهم است، با سازی این ارگان سرکوب از هم پاشیده برای حفظ سیستم است، اما انجام اینکار با وجود حرکات توده ای و تجربه پرسنل از قیام، بسادگی برای رژیم میسر نیست. از اینروست که رژیم برای مهار زدن بر حرکات توده ای از سوی ارگانهای نظیر کمیته ها و سپاه پاسداران که خود در ابتدا در برگیرنده جناحی ترین عناصر بود سعی جوید. در بسیاری از کلانتریها، کمیته ها مستقر شده اند تا کنترل اوضاع - شهرپائی را در دست گرفته و بر آنها اعمال حاکمیت کنند. این مسئله سبب مقاومت و درگیریهای بسیار بین پرسنل شهرپائی و کمیته ها میشود، چرا که شهرپائی که زمانی خود سرمدار ارگانهای سرکوب رژیم شاه بود بسادگی حاضر نیست زیر جتر کمیته ها حرکت کند. این عدم تمکین به کمیته ها سبب تشدیدتاما بین آنها شده و حتی در برخی نقاط به رویا رویی مسلحانه کشیده شده است. این کشمکشها و درگیریها در شرایطی که درگیریهای بین جناحهای حاکمیت حاد بود همچنان ادامه داشت اما بتدریج که حزب جمهوری را تکمیل به خمینی موضع خود را در ارگانهای حکومتی مستحکم کرد و با تعویض فرماندهان مکتبی بجای فرماندهان لیبرال گانهای باقت، در حال حاضر نیز که حزب جمهوری خیالش از جانب لیبرالها بمیزان زیادی آسوده گشته، سعی در استفاده هر چه بیشتر از نیروهای شهرپائی دارد. این تلاش از دو جنبه برای حزب حائز اهمیت است، نخست استفاده از تجارب شهرپائی بعنوان اولین نیروی سرکوبگر حاد قل تا قبل از قیام مودیکر افزایش کمی نیروی سرکوبش و تا حدودی افزایش جانجانی برای پاسداران سرمایه بهمین جهت از اداره اطلاعات و ضداطلاعات انجمنهای اسلامی و اداره بازرسی و اداره سیاسی ایدئولوژیک گرفته تا پستهای - فرماندهی سعی در جایگزینی عناصر مکتبی داشته و در اینمورد از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. در مواردی که با کمبود نیرو مواجه میشود نیز از عناصر لیبرالی که برای حفظ مقام به لباس مکتب درآمده اند سود می جوید و به این عناصر در صورت عدم تمکین به خواستهای حزب خطریا کسای تهدیدشان میکند، اینست که بر احنی مکتب حزب را می پذیرند. حزب جمهوری اسلامی میکوشد،

که هیچ نیرویی (هر چند بظا هر شکستنا پذیر بنظر آید) نمیتواند مانع خشم انقلابی توده ها شود و روزی که توده ها بیباخیزند قدرت - مندترین حکومتها را بزانو درخواهند آورد همچنانکه رژیم شاه و مزدوران و وابستگانش را به زانو انداختند تا تاریخ سپردند. این نیروی لایزال توده ها بود که بسیاری از مزدوران و فرماندهان ارتش و شهرپائی را به محاکمه کشاند. قیام شکوهمند توده ها در سرخوبی به سرسپردگان داد که بسادگی فراموش شدنی نیست، دیری نخواهد پایا شد که دیگر بار نیز این قهر انقلابی، مزدوران جمهوری اسلامی را که حکومت خود را ابدی میداند بنده سزای - اعمالشان برساند.

باری، شهرپائی بدلاشلی که فوقا "متذکر شدیم بمناسبت به اولین نیروی سرکوبگر مورد - تنفرو خشم توده ها بیش از سایر ارگانها ی رژیم در ا شرقیام قهرآمیز توده ها مورد حمله قرار گرفته و شیرازهاش از هم گسیخته شد. بطوریکه استعجال قبلی را بکلی از دست داده است و بسادگی نمیتوانند نظم سابق را بر گردانند. بموازات با این از هم پاشیدگی، و بدلیل وجود حرکات وسیع توده ای در سطح عامه، نیروهای ضد انقلابی در شهرپائی نیز کسه مضمون از خشم انقلابی توده ها نما نموده بودند جرات نفس کشیدن نداشتند، این عوامل سبب گردید که نیروهای انقلابی، بطور وسیع رقیب دست به ایجاد تشکلهای توده ای بسازند و همگام با توده ها حرکت کنند. در بسیاری از موارد شورا های منتخب پرسنل تشکیل شد، شورا های متزور علیرغم بی تجربگی به تشکل پرسنل شهرپائی اقدام کرده و سعی در ارتقاء آگاهی پرسنل نمودند، بطوریکه تا حدودی قدر قدرتی فرماندهان مزدور به طور عینی برای پرسنل شکسته شد و به قدرت - خویش پی بردند، آنها فهمیدند که با اتحاد و تشکل خود میتوانند بسیاری از حقوق پامال شده خویش را بکف آورده و در جهت پیوند بسا سایر اقشار خلق (که خود برخاسته از طبقه آنها هستند) بکوشند.

تجربه قیام، علاوه بر وجود آوردن تشکل های توده ای نظیر شورا، درس عبرتی شد برای بسیاری از عناصر صرنا آگاه شهرپائی، بطوریکه هم اکنون دیگر بسادگی حاضر نمیشوند همانند رژیم گذشته، آلت دست حاکمیت ترا گیرند، بی تفاوتی بسیاری از امومان شهرپائی نسبت به تحلفات بخصوص در ماه های اولتیه پس از قیام بخوبی بیان گسرت بین مسئله بود. بدینگونه شهرپائی متاثر از قیام توده ها و قهر انقلابی آنها سعی می کند حتی المقدور از درگیریهای سیاسی کناره گیری کند، اما این امر متضاد با منافع حاکمیت است، رژیم جمهوری اسلامی کسه رسالت حفظ سیستم ضربه خورده سرمایه داری

بقیه در صفحه ۱۴

# پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# تحقق کودتا:

## از ۱۹ اسفند تا ۲۸ مرداد

یادداشت‌های تاریخی

قبل از تمرین کودتای نخستین ونا - فرجام ۱۹ اسفند ۱۳۳۱، عملیات خرابکارانه همزمان و در چندجهه آغاز گشت. ارتش - دست نخورده بیستاً به محکم‌ترین سنگرزیم، بندر بیدر شهرستانها مستقر شد و عرصه را بر اجتماعات و اعتراضات مردم تنگتر کرد. روحانیون مساجد را علیه دولت مصدق بکار گرفتند، مجلس هفدهم به ریاست آیت الله کاشانی و با همدستی و همسوئی نمایندگان دربار و عناصر حزب زحمتکشان، به پایتگاه ارتجاع مذهبی و توطئه‌های درباری تبدیل گشت. دولت‌های امپریالیستی نیز در - حالیکه مذاکرات محرمانه را در برانداختن دولت و "تعیین جانشین دکتر مصدق" پیش میبردند، از طریق رسانه‌های جمعی به هشداری تهدید بر میآوردند و افکار عمومی جهان را علیه جنبش ضد استعماری مردم بر مبنی - انگیزند، از اوایل ۳۲۲ دکترا مصدق خود، چنانکه بعدها تلویحاً در دادگاه میگفته در هراس از اینکه از "جائیه‌چاه" تیغند، با اتخاذ نوعی سیاست تسلیم‌سازش به کودتا تسن میآید، از منی احزاب نیز در این زمان، در - جای خود سخن خواهیم گفت.

میدانسیم که در انتخابات مجلس هفدهم که بطور ناقص انجام شد، آیت الله کاشانی، علیرغم مخالفت‌های جناح مصدق، ریاست مجلس را با ۳۱ رای از ۱۳ رای بدست آورد. حضور و نفوذ و در به انحراف کاشانی در مذاکرات مجلس و بیاری دادن عمال کودتا، سخت‌موش افتاد. از جمله در گرما گرم ملی شدن نفت و واگیری میارزات ضد استعماری، دارو - دسته کاشانی با حمایت بقاشی‌ها، قانون منع مشروبات الکلی را پیش کشیدند. همه کوشش جناح مصدق در به "تعویق انداختن" اجرای آن قانون به "علت عدم فوریت" و "فور مشکلات سیاسی" به جایی نرسید. - مسئله مشروبات به "امریاتی" و "عاجل" - تبدیل شد. کاشانی جلسات متعدد مجلس را به این امر اختصاص داد. در انتقاد از نمایندگان که "عدم فوریت" برای آوری میکردند، به "گله" برآمد، که چرا در مجلسی که "عده‌ای از آقایان علما عضویت دارند" برای "انجام یک امر اساسی" "حاشی" که "دین مسین اسلام" و "تعالیم الهی" آن را از اهما و اجبات شمرده‌اند، این همه "تعطل" روا میدارند. در حالی که با بدستورات و - "احکام اسلامی" مقدم بر سایر امور باشد.

در همین رایطه، از مهرماه ۱۳۳۱، روحا - نیون به سرکردگی کاشانی به طرح "کنگره اسلامی" و "اتحاد اسلامی جهان" برآمدند. جان کلامشان اینکه مبارزه - سمار - با یداز طریق نمایندگان دول اسلامی انجام گیرده از این رهگذر نخست با یدیه "هماهنگی دولت و ملت" کوشید، مردم را بجای تظاهرات بسپوده و انرا زخمش به "صلح‌دوستی" و برقراری

"صلح‌جهانی" فرا خواند، از "تفرقه و نفاق" دوری گزید. برای پیروزی ملت‌های اسلامی در برابر "استعمار جهانی"، با یدهر چه - زودتر کنگره‌ای مرکب از نمایندگان دولتهای اسلامی و احزاب اسلامی فرا خواند؛ از جمله نمایندگان "آخوان المسلمین"، نمایندگان دولتهای مصر، سوریه، عربستان سعودی، اردن، مراکش، تونس، عراق، افغانستان و ایران. هدف کنگره و اتحاد اسلامی "استقلال" مسلمانان جهان از استعمار "یلوک شرقی" و غربی و ایجاد "قشون ۴ میلیونی" برای - حفظ بیطرفی است. کاشانی در مصاحبه‌ها "لوموند" در مهرماه ۱۳۳۱، میگفت: "اتحاد نظامی دول مسلمان و تشکیل یک ارتش واحد نخستین کوشش و برنامہ کنگره خواهد شد!" ارتش واحد اسلامی، قشون نیرومندی با ۴ میلیون سرباز خواهد بود. "هم‌چنین" - وحدت اسلامی تنها راه مبارزه با "پراکندگی" مسلمانان و جلوگیری از "داخلتهای ناسا" بجای آن بر قدرت‌هاست. راه دیگری وجود - ندارد.

اما "مهمترین خطر" استعمار دری در مسائل بهره‌کشی اقتصادی و سلطه سیاسی نیست، بلکه فقط "سست کردن بنیادایمان" است. از چه طریق؟ از طریق "گسترش فحشاء" و "ترویج مشروبات الکلی". این است هدف عاجل و حیاتی که با ید دولتهای اسلامی دنبال - کنند. زیرا اگر "دژ" فحشاء و اعتیاد بشکند، دیگر "ملل اسلامی آلت دست نخواهند بود". مبارزه با استعمار جهانی یعنی "احیای اسلام" و تبلیغ "شعرا اسلامی" که خود "پنا‌هنگا" برای صلح‌جویان جهان و سد سلطه شرق و غرب است. از این رو کنگره اسلامی که کاشانی تشکیل قریب الوقوع آن را اعلام میداشت، میبایست برای رسیدن به آرمان مقدس، همسه مسائل مربوط به "امور سیاسی، ادبی، - فرهنگی، و اقتصادی کشورهای اسلامی را در برنامہ خود بگنجانند. (پیام آیت الله - کاشانی به ملل مسلمان جهان، ۱۳۳۱).

در مساجد و تگایا نیز آخوندها به ستیز با سیاست دولت و به پشتیبانی از سلطنت برآمدند، میلیون مورد لعن و طعن قرار گرفتند، از جمله مردم خرم‌آباد شا هذخا به های آقای خمینی علیه "صدر" نماینده - مصدقی مجلس بودند. خمینی مردم را از - انتخاب ابابور حد میآورد و در برابر او از نمایندگان راست پشتیبانی میکرد. اکنون روحانیون شایع کرده بودند و در - اعلامیه‌ها میگفتند: مصدق "ملحد" است، و رساله دکتری خود را در سوئیس علیه قوانین و احکام اسلامی نگاشته. در این روزها بود که به تحریک آخوندها اسیدپاشی و آزار - زنیان بی حجاب را بگشت و همه شکایات و اعتراضات کارمندان زن، در جهت افشای محرکین، بی شمرماند.

از این پس همگاری و همسوئی روحانیون با سران کودتا آشکارتر و با رزق شد. نمونه - ای میآوردیم: پس از افشاشدن طرح - کودتا، دکتر مصدق، فضل الله زاهدی را در ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱، بعنوان شریک طرح زندان انداخت که البته با وساطت دربار در ۲۶ - مهر آزاد شد. در فروردین ۱۳۳۲، بدنبال - قتل افشار طروس، رئیس شهرستانی و هوادار دولت که بدست زاهدی و بقاشی انجام گرفت با ردیگر مصدق حکم توقیف زاهدی را ما در - نمود. زاهدی بدنبال آزادی، و به بیانه اینکه "امتنیت جانی" ندارد در مجلس تحصن جست، کاشانی از او به گرمی استقبال نمود. "خدمات" او را در "نهضت ملی" ستود و از - "مزامعت" هاشمی که مصدق برایش فرا هم کرده، اظهار "تأسف" نمود. (کیهان، ۲/۱۴/۲۲). درخواست زاهدی نیز این بود که هیاتی به نمایندگی کاشانی به "اتهامات" اورسدگی کند.

اکنون عمال سیا و نفت خواران که کودتا را تدارک میدیدند، روحانیون را - همدستان قابل اطمینان خود محسوب می کردند. نمایندگان سیاسی انگلیس گزارش میدادند: "آیت الله کاشانی در افکار و احساسات میلیون‌ها شیعه ایران و پاکستان و حتی روسیه شوروی نفوذ و قدرت فوق العاده - ای دارد و باید او را از نزدیک تحت نظر گرفت. "کیم روزولت فرمانده عملیات تکوین نیز تا شید میگرد که در این مقطع "افسران - اکثرا" به شاه و فادار بودند، انگلیس‌ها روی روحانیون حساب میکردند، اما از - دانشگاهیان و مدارس کاشانی امید بودیم. حزب بوده که هنوز از جناح کاشانی دفاع میکرد، معترف بود که از ۱۵ بهمن پس از تیراندازی به شاه "جناح کودتای بقاشی" - زاهدی را می‌کوشید روحانیون و "آیت الله کاشانی را بیسوی خود جلب کند؛ بدین منظور دشمنان مصدق با زرنگی خاصی کاشانی را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا بتوانند مقابل مجلس و دولت را بصورت مقابله کاشانی - مصدق درآوردند. "با اینحال" مطبوعات حزبی ما به آیت الله کاشانی توجه میکردند و هر اقدام مثبت او را مورد تأیید قرار میدادند. ("تجربیه - کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۲۵).

در باره حزب زحمتکشان، به همین اعتراف دکتر بقاشی می‌توانیم که در دفاعات خود میگفت: هیچ‌کس در ایران به اندازه من و دوستانم بر ضد انقلاب مبارزه نکرده است" (دفاعیات دکتر مظفر بقاشی، ۱۳۴۰).

اما در رایطه با ارتش که دیرباز زود، و به علت فقدان رهبری جنبش به سرکوب - خیزش زوده‌ها بر می آمد دکتر مصدق پس از اطلاع از نقشه‌های تیمسارها، ۱۳۶، اسرا علی رتبه را با زشت کرد. همین افسران بودند که سرکردگی کودتای ۱۹ اسفند را عهده‌دار گشتند. اکنون که اتحاد عمل نیروهای ضد انقلابی مرکب از روحانیون، حزب بقاشی و ارتش میسر گشته بود، دولتهای امپریالیستی به پیاده کردن نخستین طرح برآمدند. در ۱۴ بهمن ۱۳۳۱، کیم روزولت (کیم روزولت نوه رئیس جمهور تئودور روزولت و پسر عموی رئیس جمهور فرانکلین روزولت بقیه در صفحه ۱۲

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# علیرغم احوالها، دستگیریهایی نازحونیها و اعمال فشارها به معلمین و ...

بقیه از صفحه ۱

با سداران و بسیجدار "حفظ نظم مدارس" قصد دارند هرگونه نفقه مخالفی را با سرکوب خشن یا سبدهند. اما کار فشار و اختناق در مدارس با اینجا خاتمه نمی یابد. اعمال فشار نسبت به معلمین مبارز که نقش آگهی دهنده به دانش آموزان را ایفا میکنند با شدت ادامه دارد. در ادامه موج پاک - سازهایی "سالمی" قبلی که هزاران معلم را در بر گرفت در طی ایستادن امسال عده - زیادی را از کار برکنار کردند و هم اکنون مرحله دوم پاکسازی یعنی افرادی که بزرگم آنها "مشکوک" هستند آغاز شده است. بنظر میرسد کار جاسوسی از طریق مربیان بیرونی و مدیران مدارس و همکاران از حزب الهی و دانش آموزان انجمن اسلامی دربار - معلمین کافی نبوده که این روزها به بازرسی خانه های معلمین پرداخته اند. در ظرف چند هفته گذشته خانه های تعداد زیادی از معلمین توسط نماینده ها دسرای انقلاب اسلامی و نماینده وزارت آموزش و پرورش به همراه سداران مورد بازرسی قرار گرفته و همسایگان آنان مورد بازرسی قرار گرفته اند. آنها در نهایت وقت اقباس - خانه گردی و بازرجویی را پس از ساعت ۱۰ شب انجام میدهند تا در اذهان همسایگان - "کشف خانه تبیی" را القاء کنند! این اقدامات که از مدتی پیش آغاز گردیده - اکنون با شدت ادامه دارد و بطوریکه هر معلمی در انتظار چنین "بازدید دوستانه - ای!" بسر میبرد.

همچنین بازرجویی از همسایه ها و بازرسی خانه ها و ماندن ساعتها در خانه در مورد کسای که تقاضای استخدام در وزارت آموزش و پرورش را داده اند اعمال میشود. ما مورین مربوطه بدون اجازه فرد متقاضی بدر خانه های همسایه های او رفته و درباره او تحقیقات میکنند. به خانه فرد متقاضی رفته و کتای بهای او را و ارس میکنند و بسا کمال وقت احتیاطا کسای که به خانه فرد متقاضی رفت و آمد میکنند درباره او سؤال و تحقیقات میکنند. کار رفتیش عقایدتسا آنها گسترش میابد تا اینکه کاملاً روضع او اطلاع پیدا کرده و با ملاحظه خط او را به همتا تا اگر او را حزب الهی ناب تشخیص دادند استخدامش کنند!

اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی که رژیم دربارها دانش آموزان و معلمین مرتکب میشود بسیار استهای ضد خلقی که رژیم در نا بودی فرهنگ مردمی و انقلابی بکار می برد و تعداد رده فرهنگ قرون وسطایی را در مدارس پیاده کند و این مسائل را بیش از هر کس دیگر آموزگاران و دبیران بسا گوشت و پوست خود لمس میکنند و احساس مسئولیتی که این قشر آگاه جامعه در قبال خیانتهای و جنایات رژیم میکنند محیط مدارس را به شکیبای روتی تبدیل کرده است.

هم اکنون تعداد زیادی از دانش آموزانی که از مدارس اخراج شده اند همه روزه در جلوی آموزش و پرورش نواحی به نظاهرات اعتراضی مشغول هستند و خواستار

# دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی هم به جنگ حاضر شدند

جنگ ارتجاعی و فرساینده ایران - عراق که از مرزیکمال گذشته است علاوه بر خرابیهایی که بر خاندانیها و نابودی مبارزه ها تومان ثروت ملی، مهمتر از همه جان هزاران نفر از نیروهای جوان ما را گرفته است. مردم ما از آنجا شیکه این جنگ را - عادلانه ندانسته و نمیدانند لذا رغبتی هم به شرکت در آن ندارند. آنها نه تنها طلب شرکت داد و طلبا نه در آن، که لازم هر جنگ عادلانه است، نیستند و به لطایف العیل روز رفتن به جبهه طفره میروند بلکه سر بازاری هم که بسا چاره جبهه اعزام میشوند در هر فرصتی برای فرار از جنگ اقدام میکنند. بطوریکه گفته میشود ادارها جزایات - ارتش (دژبانی) روزانه صدها بر که فرار از خدمت برای پیگیری دریافت میکنند که بعطت عدم مکان پیگیری بلا جرمیاند! از اینرو، برای تامین نیروی جدید که جا نشین گشته ها در فرار با ن بشوند روزی نیست که ادارها وظیفه عمومی اعلامیه جدیدی برای اعزام افراد جدید به خدمت اجباری صادر کنند و برای کسای که "تولد" کنند خط و نشان نکند!

اخیراً "دوم مهرماه" اطلاعیه ای از سوی ادارها و وظیفه عمومی صادر شد که در آن دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی - هم به خدمت حاضر شده اند! در این اطلاعیه آمده است: "دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی به علیی که در دانشگاهها یا مدرسه عالی مربوطه بحالت تعطیل درآمده است و در مشمول این اعلامیه قرار نمیگیرند یا بستنی به خدمت اعزام شوند".

این بندها و دو شکتهاست یکی این که از فرط استیمال و کمبود سرباز در جبهه به احضار دانشجویان متوسل شده اند، دیگر اینکه بدینوسیله میخواهند از "شر" دانشجویان موجود که حتماً "اکثراً" مدرزیم هستند - خلاص شوند که اگر احیاناً "خواستند" دانشگاهها را باز کنند و لای تعداد کمتری - دانشجو و نیروی شند و در ثانی بتوانند تحت عنوان فرار از خدمت! از پذیرش -

آنها در دانشگاهها و مدارس عالی جلوگیری کنند. اما مسئله خط و نشان کشیدن برای کسای که به "او مردولت" تمکین نکنند در این اطلاعیه هم گنجانده شده و میرساند که برخلاف تبلیغات رژیم و مداران توده - ای و اکثریتی آنها که جوانان دسته دسته آمده "شهادت" و "جانبازی" هستند رژیم - ناچار است با تهدید به اخراج از کار و تحصیل عواقب بعدی | جوانان را وادار به معرفی خود کنند.

بند ۴ اطلاعیه تهدیدات خود را چنین فرموله کرده است: "به کلیه روسای کارگرنی دوا ثر دولتی و وزارتخانه ها و موسسات - خصوصی و تولیدی و غیره اکیداً" اطلاعیه به پرسنل جمعی که در مشمول این اطلاعیه قرار میگیرند اطلاع کنند که خود را به حوزه های مربوطه معرفی نمایند تا در آتیه جویگری آنها های مشمول باشند. سپس از خاتمه مدت اعزام چنانچه اینگونه پرسنل خود را معرفی نکرده و به خدمت اجتباط اعزام نشده باشد شند حق اشتغال بکار نخواهند داشت".

همانطوریکه می بینیم بحث بر سر "رفتن" به سربازی نیست بلکه "فرستادن" اجباری در میزبان است! یعنی روسای - کارگرنی دوا ثر دولتی، وزارتخانه ها و موسسات خصوصی و کارخانه ها و غیره باید پرسنل خود را به نظام وظیفه معرفی کنند و در صورتیکه پرسنل از معرفی خود استنکاف و ورزدان وقت علاوه بر اینکه غائب محسوب شده و تحت پیگرد قرار خواهد گرفت از موسسه مربوطه هم اخراج خواهد شد!

رژیم ضد خلقی خمینی که برای سرپوش گذاشتن بر نا رسانیها و ناتوانیهای که از حل آنها عاجز است ادامه جنگ را ضروری میداند به هر وسیله ای که بتواند، با تهدید ارباب، میخواد جوانان ما را به سربازی - خانه ها جلب کرده و از آنها بعنوان گوشت دم توپ استفاده کند! تا چند صبا حی بیشتر به رژیم پوتالی و متزلزل خویش ادا مدهد!

با زگشت به مدرسه هستند. اکنون در هر کلاس مدرسه ای میز و نیمکتهای بسیاری - وجود دارند که از وجود دانش آموزان مابریز خالی مانده است. دانش آموزان دوستان عزیز و میا رزی را از دست داده اند که در سال - های قبل چون ستاره های درخشانی در محیط مدرسه می درخشیدند که با بچوخه های اعدا مسپرد شده اند و با هم اکنون در سبها حال - های مخوف خمینی به مبارزه و مقاومت ادا مدهند.

آری جای خالی این مبارزان جوان در نیمکتهای مدرسه آنها بخش مبارزان دیگری است که با عزمی آهنین راه آنها را ادا مدهند.

معلمین آگاه و مبارز نیز با الهام از روحیه مبارزه جویانه فرزندان دانش آموز خود و برادران و خواهران معلمی که بسا در راههای خلق جان باختند و با در پشت میله های زندان قهرمانانه مقاومت میکنند نقش و رسالت انقلابی خود را علیه رژیم ازادیکش و ضد علم و فرهنگ خمینی که همه مظاهرتی و تعالی را زیر پا گذاشته و یک حکومت سیاه را برقرار کرده است به انجام می رسانند.

بقیه از صفحه ۳

کارگران تصمیم میگیرند که روز شنبه ۶/۲۷ از ورود مدیران جلوگیری کنند. خشم انقلابی کارگران، مدیران خدکار را که از ترس در حورا خیزیده بودند و ادا ربه عقب نشینی می کنند. کارگران اخراجی روز بعد کما فی سابق به کار خود ادا مدهند.

کارگران انقلابی استار لایت یکبار دیگر نشان دادند که در مقابل اتحاد و یکبار چگی کارگران، سرما به داران و نوکر - انسان مجبور به عقب نشینی اند. آنها با ید برای تداوم مقابله با سرما به داران و دولت حامیشان در جهت ایجاد یک شورای انقلابی بکوشند.

اعتصاب یکبار چهبیا شکه کارگران استار لایت، رشد روز افزون آگاهی کارگران را نشان میدهد. رژیم ضد خلقی جمهوری - اسلامی و نوکران حلقه بگوش با یدیدانند که اینک غنچه های خشم انقلابی کارگران در حال شکفتن است. آنها دیگر خاضع نیستند ظلم و تعدی بن مزدوران را تحمل کنند. دیر نیست، زمانیکه این رژیم را هم مانند رژیم شاهها شن، با دستهای توانا نشان به گورستان تاریخ بسیارند.





# مانورهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال و نیم گذشته در عرصه سیاست داخلی و خارجی خود دچار شکستهای فاحش و بی دردی شده است و بطور کلی در عرصه سیاست خارجی و مناسبات بین المللی منفرد و ایزوله شده است. - سیاست نه شرقی و نه غربی رژیم که مضمون حقیقی آن پان اسلامیسما ارتجاعی و گسترش مناسبات با ارتجاعی ترین دولتها جنبشها میباشد اینک نتایج خود را تماماً با آشکارا عتقاد است. این ورشکستگی سیاست های رژیم در شرایط کنونی چنان مرحله - ای از بی اعتباری و انفراد رسیده است که رژیم را واداشته بمنظور خروج از انفراد بین المللی در سیاست خارجی دست بیک سری مانورهای دیپلماتیک بزند. - پیشنها و تشکیل جبهه اسلامی علیه کفر و الحاد جهانی که در حقیقت تکرار ابلهانه وادامه همان سیاست پان اسلامیسما ارتجاعی منتها در پوش دیگریت، مسافرت اخیر رفسنجانی به مالزی و جمهوری دمکراتیک خلق کوه شرکت وزیر امور خارجه در کنفرانس سران جبهه با پداری بمنوان ناظرو - شرکت نما بیندگان ایران در کنفرانس بین المللی آلما لسن، نمونه یک چنین مانور - های دیپلماتیک محسوب میشوند که رژیم جهت رهایی از انزوای بین المللی در پیش گرفته است.

واقعیت اینست که در آغاز بقصدورت رسیدن رژیم کنونی بسیاری از دولتها و جنبشهای انقلابی و مترقی جهان هنوز درک درستی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و عملکردهای ارتجاعی آن در عرصه سیاست های داخلی و خارجی نداشته اند. بویژه با هیا هوی با ملاحظه مبارزه فدا مهربا لیستی رژیم و دفاع آن در حرف از جنبشهای انقلابی برخی نیروهای مترقی در سطح جهان تصور میکردند که براساس رژیم جمهوری اسلامی - رژیم انقلابی و فدا مهربا لیست است. - اما گذشت مدتی کوتاهی که با بودنت عملکرد های رژیم در سطح بین المللی ما هیت ارتجاعی سیاستهای خارجی این رژیم را بر همگان آشکارا زده.

رژیم جمهوری اسلامی که در آغاز عرصه داده بود از جنبشهای انقلابی و مترقی سراسر جهان حمایت و پشتیبانی کند، در عمل نزدیک ترین متحد مرتجع ترین و ضد انقلابی ترین جنبشها نظیر مرتجعین - افغانستان، جنبش ارتجاعی امل، حزب - الدعوة عراقی، اخوان المسلمین و امثالهم از کار زده اند. دشمنی خود را با کمونیستها این پی گمبترترین نیروهای انقلابی در سطح جهان و نیز دمکراتهای انقلابی پیش از پیش آشکارا نمود و در زیر پوشش مبارزه با دوا بر قدرت و پیشبرد سیاست با مناسبات شرقی و نه غربی نزدیکترین مناسبات اقتصادی و سیاسی را با دولت مهربا لیستی اروپا و ژاپن برقرار نمود. این سیاستهای ارتجاعی بهمراه یک سری ناشرگراییهای

انتیایی در سطح جهان نمیتوانست در مدتی کوتاه رژیم را در سطح جهانی ایشاو منفرد سازد. در منطقه خاور میانه نیز پس از گذشت مدتی کوتاهی سیاستهای ارتجاعی رژیم بر همسایه جنبشها و دولتهای انقلابی و مترقی آشکارا شد. چنانکه برخی از دولتها و جنبشها نظیر جنبش آزادیبخش فلسطین، دولت لیبی، ... که در آغاز مناسبات با لیبی حسنه ای با رژیم جمهوری اسلامی داشتند بتدریج بی بهانه با هیت ارتجاعی سیاست خارجی رژیم برخوردند و در ماههای اخیر با افشاء خبر مربوط به خرید تسلیحات از دولت صهیونیستی اسرائیل مناسبات آنها بشنا بیت سردی گرا شد و کار به جایی رسید که روزنامه جمهوری اسلامی چندی پیش نوشت تنها دولت انقلابی در منطقه - دولت سوریه است! و نیز تیرگی مناسبات رژیم با جنبش آزادیبخش فلسطین بمرطه ای رسید که در مراسم "روز قدس" بر خلاف سایر کشورهای منطقه از طرف این سازمان در مراسم شرکت نکرد. سازمان آزادیبخش فلسطین همچنین سخنان نما بنده خود در - ایران را در مورد عراق و حوادث ایران در آنجا شکر رژیم، تکذیب کرد و با لافچه پس از - ملاقات ها با حسن درباری پس با بنی صدر و رجوع روزنامه صبح زادگان طی جمله شدیدی به سازمان آزادیبخش فلسطین ها نیل حسن را خاشن خواند و نوشت کفر افکها پیدا پس خاشن را از سازمان اخراج کند!

این مجموعه شرایط نشان میدهد، به همان نسبت که سیاستهای ارتجاعی رژیم در داخل عربی نتواند افشا شده است، در سیاست خارجی نیز که چیزی جز ادا مهربا لیستی مناسبات است در خارج نیست. رژیم دچار ورشکستگی و انفراد شده است. از این رومانورهای دیپلماتیک آشکار رژیم، تلاشهای در جهت - رهایی از این انفراد محسوب میشود. سوی این مسئله رژیم اهداف مشخص اقتصادی و سیاسی را نیز در این سلسله مانورهای خود دنبال میکند. در شرایطی که رژیم با بحران اقتصادی و غیرمربوب است، یکی از اهداف دیپلماتیک کنونی رژیم کمکهای - اقتصادی و گسترش مناسبات اقتصادی بین المللی است تا شاید به این طریق بتواند، از بحران و غیرمکنونی نجات یابد. گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی نیز از دیگر اهداف رژیم است. هدف اساسی و از سوی دیگر توجهی برای گسترش مناسبات گسترده با دولتهای ارتجاعی محسوب میگردد. بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام ادا مهربا لیستی خود تاکنون بهترین و بهترین مناسبات اقتصادی و سیاسی را با دولت مهربا لیستی و دولتهای دست نشاند و وابسته ای نظیر ترکیه و امثالهم داشته است. اما اکنون می کوشد با برقراری مناسبات با دولتهای - دیگر بویژه دولتهای مترقی و انقلابی چین و نامودکننده که از یک سیاست مستقل که گویا سیاست نه شرقی و نه غربی است پیروی می کند. اما حتی برقراری و گسترش مناسبات

اقتصادی با دولتهای مترقی نیز در راهی در ماهیت ارتجاعی و فدا انقلابی سیاست خارجی رژیم تغییر بی بدید نخواهد آورد. همانگونه که گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی رژیم با کشورهای سوسیالیستی بهیچوجه دلیلی بر اضمین مترقی سیاستهای خارجی رژیم نبود. هم اکنون نیز مناسبات نزدیک و حسنه رژیم عراق با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ذره ای از ماهیت ارتجاعی سیاستهای داخلی و خارجی آن نمی گاهد. برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی بین المللی و قیمت و غیرمکنونی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای سوسیالیستی بهیچوجه در ماهیت ارتجاعی سیاست خارجی آن تغییری بدید نخواهد آورد. زیرا سیاست خارجی این دولت در اساس تداوم همان مناسبات داخلی ارتجاعی و فدا انقلابیست. سیاست خارجی هیچ دولتی نمیتواند جدا و منفک از سیاستهای داخلی آن دولت و مجموعه عملکردهای رژیم سیاسی حاکم و طبقه تحاکم باشد. دشمنی با طبقه کارگر، توده های حشمتکش و سازمانهای انقلابی و مترقی و سلب ابتدائی ترین حقوق توده ها منسی توان در سیاست خارجی بصورت دشمنی با طبقه کارگر جهانی و جنبشهای انقلابی و مترقی متجلی نگردد. این دشمنی با طبقه کارگر و انقلابی و سرکوب آنها در داخل، لزوماً در سیاست خارجی نیز منکس میگردد. این همان ادا مهربا لیست داخلی در خارج است که خود را در حمایت رژیم از جنبش ارتجاعی امل لبنان در مقابل کمونیستها و دولت لیبی نشان میدهد. این همان دشمنی با نیروهای انقلابی و مترقی و دفاع از طبقات ارتجاعی در داخل است که در سیاست خارجی در حمایت پیشتیبانی از مرتجعین و مزدوران آمریکائی افغانستان نمود پیدا میکند. این همان ادا مهربا لیست داخلی است که در میان همسایگان ایران بهترین مناسبات با رژیم دست نشاند ترکیه برقرار میگردد. این همان ادا مهربا لیست داخلی است که خود را در خرید سلحه از اسرائیل، بقا قرار - دادهای اسارت با ربا مهربا لیستها و زد و بندهای دیپلماتی سری با مرتجع ترین نیروهای جهانی خود را نشان میدهد. این همان ادا مهربا لیست داخلی است که منسی توان در منطقه جنبش آزادیبخش فلسطین و رژیم ایران را در کنار یکدیگر قرار دهد. زیرا قی امل مثل تفا دولت لیبی و جنبش آزادیبخش فلسطین با اسرائیل از موضعی مترقی و انقلابیست در حالیکه تفا در رژیم جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل از موضعی ارتجاعی است. از موضع سیاست ارتجاعی پان اسلامیسما است. این است دلیل اینکه چرا مانورهای دیپلماتیک رژیم به نفع آنها قاندر نیست حیثیت تازه ای با بنشد بلکه پیش از پیش ماهیت سیاستهای آنرا افشاء خواهد کرد و آنرا در سطح جهان بیشتر ایزوله و منفرد خواهد نمود.

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# نیروهای مسلح وانقلاب

بقیه از صفحه ۵

از طریق این عناصر و نیز فتوای خمینی و اعمال فشار در شرایط فعلی که درگیریهای سیاسی روز بروز جدیتر شده و بر مرصه خیا بانها کشیده شده، شهرهای نی را بمیدان بکشاند. سخنرانیهایی خمینی و بعضی دیگر از سران رژیم نظیرهای شمی رفسنجانی و اطلاعیههای یکی دو ماه اخیر که مبنی بر موضع تدافعی شهرهای نی بود، بخوبی بیانگر این امر است که شهرهای نی به یادگی تن با یمن خواست نخواهد داد. برای اینکه سیستم حزب در این امر تا چه حد موفق خواهد بود، وضعیت فعلی شهرهای نی از نظر سلسله مراتب و گزارشات سطوح مختلف آنرا مورد بررسی قرار میدهم:

فرماندهان اصلی به دو بخش تقسیم میشوند، اول عناصر مورد اعتماد حزب نظیر سرهنگ دیناچی جانشین رئیس شهرهای نی، حاجی رئیس اطلاعات (توضیح اینکه این مقام قبیل از انتماب حاجی به ریاست شهرهای نی تهیه شده بود) ریسمانچیان معاون غذا اطلاعات و رئیس بازرسی که عامل مستقیم اجرای دستورات حزبند، دیگر لیسرا لهایی که حاضرند برای حفظ موقعیت، دستورات حزب را بپذیرند، رئیس شهرهای نی، معاون وی و رئیس پلیس تهران و غالب روسای شهرهای نی استانها از این قماشند، اینها از نظر تعداد دیرعنا صرحی برتری دارند و نیروی درجه دوم مورد اعتماد رژیم بشمار میآیند. دستورات حزب را با اندکی تعدیل ابلاغ و اجرا میکنند. فرماندهان رده پائین ترا که هم نند دستهای لایبرای حفظ موقعیت تن به اجرای دستورات میدهند، اما از آنجا که از جانب دیگر مواجها روحیه شدید ضد حزبی پرسنل هستند عمدتاً اشکالات را به گردن فرماندهان بالاتر انداخته و راه گویزی برای خود بازمیکذارند این جهت جایگاهی در این قسمت زیاد نبوده و یکی از مشکلات حزب در حال حاضر تمکین این رده میباید. روسای زندانها و روسای شهرهای نی استانها از این دسته اند. با اعمال فشار بخشی از اینها به دستورات حزب گردن گذارده و دسته ای وادار به کنار گذاشتن میشوند. هر چند مشکل حزب که تسلط کامل بر شهرهای نی است همچنان لاینحل باقی میماند. اما نیرویی که بیش از همه مدنظر حزب است فرماندهان دون پایه نظیر افسران جزئی و تعدادی از افسران ارشد است. اینها از جنبه مسئولیتها و اجرایی که دارند بسیار مورد توجه حزب هستند. از طرفی، از طرف رده های بالاتر فشارها از طرفی با موج ناراضی پرسنل مواجهند. این جهت سیاستمان غالباً "عدم شرکت در مسائل سیاسی و درگیریهاست و چندان نگران بقا نشان نیستند، بیشتر تمایل به خدمت در ستاد درادارند تا صف اول. جایگاهی در

این رده بسیار است شعرا آنها "تسخیر سوزان نه کباب" میباشند. نیروی دیگری پرسنل (افسران جزء، درجه داران، ماموران، پاساران، پلیسهای وظیفه) شهرهای نی است. که عمدتاً از شرکت در درگیریهای سیاسی اجتناب میکنند. مهمترین عواملی که مانع شرکت آنها میشود تجربه قیام است زیرا در جریان قیام آنها بعینه شاهد فروپاشی سیستم شهرهای نی به دست توانای توده ها بوده اند، آنها بر احوال حاضر نیستند این تجربه را تکرار کنند، به طوری که با رها شده شده که میگویند "یکبار شرکت کردیم نتایج اش را دیدیم، اجامی نیستیم که دوباره تکرار کنیم" ویا "گلوله ما نیاید به مردم بخورد" ترس از زخم توده ها مهمترین عاملی است که مانع از فعال بودن شهرهای نی در سرکوبهاست. علاوه بر این عامل تعدادی که با کمیته ها و سپاه وجود دارند نیز مانع از فعالیت آنها از این ارگانهاست. بحران اقتصادی و سیاسی جامعه که مانع تشبیت موقعیت رژیم میشود. هشم چنین وجود نا رضایتی وسیع در توده ها و فعالیت نسبی نیروهای انقلابی از جمله عوامل دیگری است که در این نوع برخورد شهرهای نی دخیل است به علاوه از آنجا که پرسنل از قیام تشکلهای توده ای بسیاری زیر پرسنل انقلابی با کاراگراگرا که عواقب رودر روی با مردم را تسلیع و ترس ایجاد کرده بودند. مجموعه این عوامل سبب شده که پرسنل شهرهای نی بیشتر نظارت و گرجیانات باشند و هم نظارت در کل جامعه نیز این امر مشهود است آنها بدنبال آلترنا تیو قدرت می گردند. این عدم فعالیت بویژه در سطوح پائین به چشم میخورد. بروز این گرایشات در صورت فردی بودن شدیداً "سرکوب میشود، در حال حاضر حرکت جمعی نیز به چشم نمیخورد. مبارزه آنها جنبه انفعالی دارد. زیرا - فشارها رزات توده ها و فشارها کمیت هنوز به درجه ای نرسیده که تصمیم گیری آنها را موجب شود.

نیروهای انقلابی نیز علیرغم حضور در این ارگانها بدلیل ضعف سازماندهی از آنچنان قدرتی برخوردار نیستند که بتوانند نقش تعیین کننده ای ایفا کنند. بهمن جهت علیرغم فشارهای حزب به پرسنل شهرهای نی برای شرکت در درگیریهای سیاسی و معضلفظت از شخصیتها، آنها نقش فعالی را بازی نمیکنند. آنچه چشم انداز آینده نوید میدهد اینست که همراه با اوج گیری مبارزات توده ها و اعتلا جنبش توده ای بخش وسیعی از پرسنل به توده های مردم خواهند پیوست. زیرا دیگر نخواهند کوند. دورا بیشتر وجود ندارد و رادیا سرکوب توده ها و بیایوستن به آنها. اما سرکوبها یکبار در جریان قیام تجربه کرده اند پس بهترین راه بیوستن بانقلاب است. مضافاً اینکه حزب جمهوری نیز علیرغم تلاشهای مدیوحانه اش بدلیل نداشتن پایگاه توده ای در شهرهای نی قادر به پیشبرد اهدافش نخواهد بود، زیرا از سلسله مراتبی که ذکر شد بجز مهره های خود حزب و فرماندهان مزدور رفیق غالباً مخالف پذیرش اتوریته حزب هستند.

### زندگی و مرگ چگوارا

بقیه از صفحه ۴۰

مثلاً به تنهایی راه حل آن خلقها نیست که برای رها شدن خویش می رزمند عقیده دارم و در عقاید بدم بیکبارم. بسیار می خواهم جویم خواهند خواند. ما چرا جویم، منتها زگوته دیگری. از آنگونه که جان خویش را به مخاطره بینا ندانند زنده ستانی را که بآن عقیده دارند بگری بنشانند.

ممکن است گه این پایان کار من باشد. من بدنبال این پایان نمی روم. ولی این پایان در معدوده منطقی احتمالات میگذرد. اگر چنین باشد آخرین ودا عمرا - میکنم. من شما را بسیار دوست داشتم اما تنها نمیدانستم این علاقه را چگونه بیان دارم. در رفتارم خشک هستم و فکر میکنم که شما مرا نمی فهمیدید. فهمیدن من کار آسانی نبود. با اینهمه خواهش میکنم حرف مرا بپذیرید. اکنون اراده ای یکبار شمش صیقلش داده ام به مدد پای لوزان و شش های خسته ام خواهند شتافت. از عهد این برخواهم آمد.

گاه بیگانه ها بین سرباز کوچک سرنوشت سده بیستم اندیشه ای کنید.

جلیا، روبرو تو، خوان ما رتین، هرتو - تین، بنات ترس و سا بر اهل خانوادها را می بوسم. فرزند سرخست و سخنی تان شما را از دور می بوسد. ارستو" و چه گوارا تلقی اش را از مرگ دریکی از آخرین نامه ها پیش به فیدل کاسترو چنین بیان میکند:

"یکروز از یک یک ما پرسیده شد که در صورت کشته شدن هر یک از ما کسان او را چگونه باید مطلع کرد؟ در آن لحظه ما کسان واقعی کشته شدن همه ما را زیر تا سرخ خود گرفت. ما بعدها دانستیم که این واقعه ای است که در انقلاب - اگر انقلاب واقعی باشد انسان یا جان میسپارد و یا پیروز میگردد. بسیاری از رفقا در راه پیروزی جان سپردند. و او در راه پیروزی زحمتکشان جهان این چنین جان سپرد.

بانتی پردویکی از همزمان چه گوارا و یکی از همزمان با قیما نده جنبش بولیوی در ژوئیه ۱۹۶۸ یعنی هشت ماه پس از شهادت چه گوارا در باره مرگ او نوشت:

"درفش ما چروک خورده است ولی هرگز بر زمین نخواهد افتاد.

ای - ال - آن خود را وارث سرمشق و آموزش های چه، این بولیوار شوین آمریکای لاتین میدانند.

آنها ای که از روی زبونی او را کشته اند هرگز قادر به از میان بردن اندیشه ها و سرمشق او نخواهند بود. بگذار رکسه امبریا لیستها و چاکرا نشان از آوازه های پیروز مندان خود دم بندند زیرا که جنگ به پایان نرسیده است بلکه تازه آغاز گردیده است. ما بکوه با زخواهیم گشت . . .

در لحظات سرنوشت ساز زکونی میهن ما، مبارزان جوان و انقلابیون سرخست میهن ما تجسم بولادیچ چه گوارا، بولیوس فوجیکها، زویاها، جیمیله بویاتاها، پویان - ها، روزبه ها، مهرنوش ها، تابدل ها، مهدی ها، مسعودها، بیژن ها، و . . . هستند. که درفش مبارزه علیه امبریا لیسم و ارتجاع را تا پیروزی انقلاب بدوش خواهند کشید.

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

# شورای نگهبان حافظ و نگهبان منافع مالکان و سرمایه داران

مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان -  
اعتراض نمیکند که چرا با لایحه "اراضی شهری"  
ریا "اراضی مزروعی خارج شهرها" مخالف  
است بلکه ملتسانه از شورای نگهبان -  
ستدعا میکند که خودشان کار "تنظیم کسب و  
کار" را هم که اکنون بعهده مجلس شورای است عهده  
دا ر شوند که از اتلاف وقت "نمایندگان" -  
جلوگیری شود!

مخالفت شورای نگهبان با لایحه نیم  
بند "اراضی شهری" و "اراضی مزروعی خارج  
شهرها" و مخالفت خمینی و سایر آیات -  
عظام "با بندج" و بنده "لایحه زمین همه گواه  
بر این امر است که دستگاه ولایت فقیه با  
هرگونه تغییر و تبدیلی که بنا به شرایط  
و موقعیت رژیم در مالکیت و مناسبات تحاکم  
بر آن ضروری باشد، مخالف است. این امر  
ثابت میکند که آنچه هم که تا کنون در مورد  
مصا دره اموال منقول و غیر منقول سرمایه  
داران و زمینداران بعمل آمده در مورد  
مخالفین سیاسی رژیم بوده است که اغلب  
آنها هم بعطالت ترس از جنبش خلق فرار را  
برقرار ترجیح داده بودند، و گرنه یوضوح  
دیده میشود که ما حیای واقعی قدرتی کنونی  
یعنی دستگاه هرم ولایت فقیه یعنی خمینی  
شورای نگهبان، آیات عظام، ائمه جمعه ها  
کارگردانان حوزه های علمیه و نمایندگان  
امام در ارگانهای مختلف، نگهبانان  
واقعی مالکان و سرمایه داران هستند که  
دفاع از حق مالکیت را بنا به قاعده -  
الناس مسلطون علی اموالهم وانفسهم"  
وظیفه شرعی خود فرار داده اند!

مخالفت است -  
سید محسن یزیدی و میرغفاری نماینده -  
تبریز در جلسه دوم مهرماه ۶۰ در مجلس ضمن  
نطق قبیل از دستور چنین گفت: "مسئله  
دیگر تذکری است به شورای نگهبان -  
موقعیت قانونی شورای نگهبان مشخص  
است و اظهار نظرهای شورای نگهبان طبق  
فرمان امام موقانون اساسی مطاع است و  
لکن من میگویم شورای نگهبان نباید  
واقعیتهای جامعه را توجه داشته باشد.  
یکی از مسائل واقعی و واقعیتهای عینی  
جامعه ما مسئله زمین است. اراضی شهری  
و اراضی مزروعی خارج شهر، شما میگوئید  
راه حلش که مجلس داده است و خواهد داد و  
باید بگردانید خواهند داد را حل اسلامی نیست  
شما باید شید را حل اسلامی آنرا به مجلس  
انرا ندهید تا ما آنرا تصویب کنیم. منتظر  
آن نباشید که مجلس کاری بکند و شما آنرا  
رد کنید!"

با این ترتیب می بینیم که با لایحه  
یک فرد جزئیت کرده و با هزار ترس و لرز  
این مسئله را آنهم در لایحه فاش کند که  
شورای نگهبان با تصویب لایحه زمین -  
با ستنا و مقررات شرعی مخالف است.  
ضمناً "مسئله دیگری که از سخنان میرغفاری  
فهمیده میشود اینست که شورای نگهبان  
نه تنها با قانون اراضی شهری مخالف  
است بلکه با لایحه "اصلاحات ارضی اسلامی"  
و یا "زمینهای مزروعی خارج شهرها" که  
روی آن تبلیغات زیادی کرده اند و اخیراً  
به مجلس داده شده است، نیز مخالف است.  
و آقای میرغفاری به نمایندگان از طرف

چندی پیش لایحه "اراضی شهری" از  
تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و برای  
اظهار نظر و تصویب نهائی به شورای نگهبان  
داده شد. ما در مقاله ای ضمن برخورد به  
این لایحه نوشتیم که ضرورتی ناشی از -  
بحران اقتصادی موجب شده که دولت موقت  
عملاً خرید و فروش زمینهای سطح شهر را -  
متوقف کند و پس از دو سال و نیم که این امر  
اجرا میشود دولت تصمیم گرفت آنچه را که عملاً اجرا  
میکرد بصورت قانونی در آورده و بخشی از  
این زمینها را به تملک خود در آورد.  
اما همه بطوریکه میداند نیم در واقع امر  
قوانین در مجلس تصویب نمیشود بلکه فقط  
"تنظیم" میشود ارگانی که در واقع قوانین  
را به تصویب نهائی میرساند شورای نگهبان  
است که دارای اختیارات حق و تودر مورد  
تمام قوانین مصوب در مجلس است. این  
شورای شیوخ که عتای آن ۱۲ نفرند جای -  
مجلس سنا یا شهنشاهی منتهی با اختیارات  
بمرا تیب وسیع تر از آن را گرفته، حق دارد  
هر قانونی را که مجلس به تصویب رسانده -  
تحت عنوان اینکه مخالف قانون اساسی  
و یا مخالف مقررات شرع است و توکنند. و  
اکنون که هفته ها از تصویب لایحه "اراضی  
شهری" میگذرد شورای نگهبان از ناسیدان  
خود را دری کرده است.  
شورای نگهبان رسماً "درباره این  
قانون اظهار نظری نگرده، مطبوعات دولتی  
و تحت سانسور شدیداً اخبار و قایع را در چینی  
کنند و لی آنچه شنیده شده و اخیراً "نماینده  
تبریز بطور سربسته اظهار کرده، "کشف می  
گردد که شورای نگهبان با این قانون -

## زنده باد انقلاب پرو (۲)

بقیه از صفحه ۱۰  
صنایع جاری می شد. کثیری از کشت کنندگان  
شکرو پنبه نیز، پیشینه خویش را بوسیده و  
کناری نهادند و به سراغ صنایع فلزی،  
رنگ سازی، شیشه سازی، گش سازی و نساجی  
رفتند. سرمایه خارجی که بیشتر بگونه ای  
چشم گیر در بخش محصولات کشاورزی - معدنی  
صا دراتی متمرکز شده بود، کم کم ک محافظه  
- کارانه گام در راستای سرمایه گذاری  
در بخش صنایع میگذاشت. و آ. آر. گریسی  
در کارخانه سازی سرمایه گذاری کرد و کمپانی  
گودیر، نخستین کارخانه لاستیک سازی پرو  
را بنیاد نهاد. در سوشی دیگر سهم کشاورزی  
از بازده ملی در طول دهه پنجاه هم چنان رو  
به نقصان داشت و نهایتاً "در سال ۱۹۶۵،  
تاما" از بین رفت.  
اما برعکس سیلانی که پول در دست و  
سوی صنعت دادند سرمایه داران صنعتی  
عملاً قدرتی تعیین کننده در حیات سیاسی  
کشور، به شمار نمی آمدند. سیاست های دولت  
و نیز ذخیره های مالی، به گونه ای گسترده  
توسط الیگارش سنتی، پنبه، شکر و معدن  
و متولفین بیگانه آنها کنترل میشد.

نسبت ۲ و ۳ به بانک ملی بپردازد. پس  
از پایان جنگ، شوروی ۲۰ میلیون دلار به  
ایران بدهکار شد و جمعاً بین طلب از شوروی  
معادل ۱۳۳۴/۵/۱۸۶۴/۵ ریال بود که  
در ۱۳۳۴، در ۱۳ خردادین به دولت زاهدی -  
پرداخت شد. اما آذین سربا زردند و دولت  
مجا رستان نیز اعلام داشت که مسئله خرید  
نفت "با صرا در دولت ایران" در موافقت -  
نامه ها گنجانیده شده، سندیستی ندارد، و  
کشورهای سوسیالیستی از خرید نفت ایران  
منصرف شده اند.  
راهی جز این نماینده نبود که در آن شرایط  
سخت که همه نیروهای ارتجاعی متحد در  
کمین بودند، دولت در تحکیم موقعیت خود  
روی به مردم آورد و برای رهاشی از تنگنای  
اقتصادی و سیاسی از نیروی توده ها و اتحاد  
عمل گروه های سیاسی بهره جوید. مردم  
این آمادگی را با رها اعلام داشته بودند،  
چهارده سپهر، چه در ۹ اسفند و به رغم سکوت  
و مخالفت رهبری اجزای، اما اکنون  
مخالفان و دشمنان جنبش، همبسته تر از  
همیشه مردم پراکنده ترا ز پیش به میدان  
آمدند. تظاهرات سالگرد شهدای ۳۰ تیر  
طلوهای از این سردرگمی و پراکنندگی صوف  
بود. به اختصار اشاره می کنیم.

## تحقق کودتا:

بقیه از صفحه ۱۲ = از ۹ اسفند تا ...  
شد، اعلام میداشت: "باید از خلال و عطیات  
خلاف آئین نامه " دست کشید، " استیضاح "  
کافی است و " احتیاجی به فرار ندوم نیست "  
(۱۳۳۲/۴/۲۴) اما صدق ناگزیر بود برای  
کاستن از بحران ها به "لایحه اختیارات"  
عمل کند و با اعلام فرار ندوم آزادی عمل  
بیشتری بدست آورد.  
اکنون دولت ناامید از آمریکا و دریافت  
وام برای حل بحران شدید مالی روی به  
کشورهای سوسیالیستی آورد. قول دادند  
که نفت ایران را بخرند. ۱۹ خرداد ۱۳۳۲ -  
موافقت با مبارزگانی ایران و شوروی  
به امضاء رسید. دولت ایران مصرا نشد  
خواستار استرداد بازده تن طلای ایران -  
(۴ میلیون دلار) از شوروی گردید.  
(در ۱۳۳۱ فرادادی بین ایران و شوروی -  
برای پرداخت نیای زمینیهای ارتش سرخ  
در ایران و هزینه حمل و نقل نظامی به  
شوروی از طریق راه آهن امضاء شد. می  
بایست طبق این قرارداد، شوروی ۴۰ %  
ارز تضمین شده را به طلا و ۶۰ % شمش طلا بدهد

داده دار

رهبری طبقه کارگران ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است





سید عباس بنی هاشمی	۱۷۵	محمدافشاری نیا	۱۰۶
تقی بای	۱۷۶	حبیب الله خاقلی	۱۰۷
نا سرورزی طلب	۱۷۷	محمدحسین تدبیری	۱۰۸
عبدالحسین تراپی	۱۷۸	نصرالله سروجی	۱۰۹
جلال قدرت	۱۷۹	مهدی حیدری	۱۰۰
ابیرچون خواه	۱۸۰	نادر یوسفی	۱۱۱
حمید علیزاده	۱۸۱	آریا الوندپور	۱۱۲
احمدغریبی	۱۸۲	فرشیدامینی	۱۱۳
بهنام مهرپور	۱۸۳	علی سلامتیان	۱۱۴
علی رحمانی	۱۸۴	یوسف مشتری	۱۱۵
علی کولی وند	۱۸۵	علی غلامی	۱۱۶
رضا حمزوی	۱۸۶	عباس عظیمی	۱۱۷
رحیم غلامی	۱۸۷	شروین کمیانی	۱۱۸
رضا سیفی کار	۱۸۸	مسعودبیرنگ خسته پور	۱۱۹
وحیدسرمه ای	۱۸۹	جلال شاهرویدی	۱۲۰
سیدعرب یعقوبی	۱۹۰	مسعودتراپی	۱۲۱
محمدعلی جعفری	۱۹۱	عباس مابودی	۱۲۲
سیروس ظاهری حقیقی	۱۹۲	نودرتسلیمی	۱۲۳
مجاهدین خلیق	۱۹۳	غلامرضا بیرونی	۱۲۴
"	۱۹۴	اکبررضائی	۱۲۵
"	۱۹۵	عبدالحمیدنوبخت	۱۲۶
"	۱۹۶	سعیدنادری	۱۲۷
حسن عبدالهی	۱۹۷	امیرعلی مبشری	۱۲۸
عطاءالله قره دشتی	۱۹۸	حسن احمدی	۱۲۹
نصیرایمانی ذکاکی	۱۹۹	مهدی عبدالوهاب	۱۳۰
طوالش	۲۰۰	علی شایخی	۱۳۱
علاالدین عنگانی طالش	۲۰۱	محبت عبداللهی	۱۳۲
مهدیمهدی یادی دهبز	۲۰۲	محمدبزرگی	۱۳۳
سعیدانوری	۲۰۳	جابرجهاندوست	۱۳۴
علی مظلومی	۲۰۴	پرویزکلانتری	۱۳۵
سیدمحسن رضانی	۲۰۵	محمدحسن میرزایا با زاده	۱۳۶
غلامحسین شاهانی	۲۰۶	ابراهیم نعمتی	۱۳۷
حیدرخاکسرای	۲۰۷	سیدصادق صادق زاده	۱۳۸
امیرکیانی	۲۰۸	موسی محمدعلی پورکا کپروی	۱۳۹
حمزه شریفی	۲۰۹	کیوان حسن زاده سیاسی	۱۴۰
محمدحسین ذوالفقاری	۲۱۰	ظاهررضایی چمنی	۱۴۱
محمدشهد	۲۱۱	اصغرکریمی	۱۴۲
منصورغفوری	۲۱۲	جوادعلیمرا دی	۱۴۳
سیدجوادمرتضوی	۲۱۳	ظاهره حبیبی فرد	۱۴۴
محمودبه نژاد	۲۱۴	حسن کهیا رنژاد	۱۴۵
محمدحاج مدصادق پور	۲۱۵	صابرچفادلی	۱۴۶
ناصرحسینی	۲۱۶	حمیدتراپی	۱۴۷
محسن اسلامی	۲۱۷	محمدعلی امامی	۱۴۸
محمدرضا عامری	۲۱۸	محمدجوادشاهین	۱۴۹
مجیدنوری	۲۱۹	علی شیرازی	۱۵۰
مجیدنجف بیگی	۲۲۰	مرتضی دشتیان	۱۵۱
محمدحسین نظرزاده	۲۲۱	منوچهرانتخابی	۱۵۲
سید (علی) دریا نی	۲۲۲	علی باقری	۱۵۳
محمدجمالی	۲۲۳	علی توتونچی	۱۵۴
فرهاد زمانی	۲۲۴	اعلام نشده است	۱۵۵
نا دردا بشلیم	۲۲۵	"	۱۵۶
خلیل نورالهی	۲۲۶	"	۱۵۷
ایرج امیرزادی	۲۲۷	سروش حاج محمدی	۱۵۸
مهرداد امینی	۲۲۸	حسن درختان	۱۵۹
علی گالشی	۲۲۹	حمیدرضایی	۱۶۰
شهرام تقوی	۲۳۰	رضا سیدی	۱۶۱
جهانگیرزینعلی	۲۳۱	مسعودصدیان	۱۶۲
حسین عظیمی	۲۳۲	علیرضاراطبی	۱۶۳
حیدرمحمدی	۲۳۳	محمدحسین مظلومی	۱۶۴
بهروزحاج آقا محمدی	۲۳۴	احمدعزیزپور	۱۶۵
یوسف یوسفی	۲۳۵	سعیدخمالی	۱۶۶
وحدت کمونیتی	۲۳۶	مسعودحاج کاظمی	۱۶۷
مجاهدین خلیق	۲۳۷	محمد (مجید) حسینی	۱۶۸
اعلام نشده است	۲۳۸	مهدی عسگری	۱۶۹
"	۲۳۹	سیدضیاء نبوی	۱۷۰
"	۲۴۰	فریدنمیری	۱۷۱
امیرمیرزمانی	۲۴۱	فریدنمیری	۱۷۲
مجیدسالاروند	۲۴۲	نقی زمانی	۱۷۳
مهرداد منصور بیگدلی	۲۴۳	"	"
مهدی عسگریان	۲۴۴	"	"
محمدکشاویز	۲۴۵	"	"



## \* بیش از ۶۰۰ اعدام در یکماه \*

هر روز که میگذرد با دجنایات رژیم گسترده تر و خشونت با رزق میکردد. اگر در تیرماه رژیم حدود ۱۵۰ نفر را به جوخه های اعدام سپرد، واگر در مردادماه ۳۰۰ نفر از انقلابیون را اعدام کرد، در شهریورماه رقم اعدام شدگان به بیش از ۶۰۰ نفر رسید است! اما این تنها لیست جنایاتی است که رژیم رسماً اعلام کرده است. با این لیست باید نام مبارزانی را که بی محاکمه و بدون اعلام رسمی اعدام شده اند و همچنین انقلابیونی را که در نبردهای خیابانی بدست جلادان رژیم شهید شده اند اضافه کرد. طی سه ماه گذشته رقم رسمی شهدای اعلام شده ۱۱۰۰ بوده است ولی آمار واقعی شهدای خلق طی این مدت از ۱۵۰۰ نفر هم گذشته است. افتخار به شهیدای خلق ما بود یاد رژیم دژخیمان و آدمکشان!

ردیف	تاریخ	محل	نام	گروه
۱	۶۰/۰۵/۱۹	بجنورد	مجتبی لنگرودی	مجاهدین خلق
۲	"	"	مجتبی رضوان	"
۳	"	"	سعید مرتضی	"
۴	"	"	فرح الله مجرد	"
۵	"	"	شاهرخ سقرابین	توفان
۶	۶۰/۰۵/۱۸	زینجان	عباسی غریبان	مجاهدین خلق
۷	"	"	مرتضی سلیمی	"
۸	۶۰/۰۵/۱۹	چالپوش	محمود حیدری	"
۹	"	"	عادل نقاش	"
۱۰	"	"	درویش علی با پور	بابل
۱۱	"	"	عبدالله کریم باغیش	"
۱۲	"	"	سید کاوه مقدس	آرمان مستخفین
۱۳	"	رشت	جمشید پور قاسمی	فدایی خلق
۱۴	"	"	اسماعیل عالمی	مجاهدین خلق
۱۵	"	"	شعبان پور	"
۱۶	"	ساری	کورس آروند	"
۱۷	قبل از ۲۶/۵	بندر عباس	علیرضا قاسمیان	چریکهای فدائی
۱۸	"	"	محمد خراسی	"
۱۹	"	"	عبدالله محمد نظری	مجاهدین خلق
۲۰	"	"	کرامت برخورداری	"
۲۱	"	"	مهدی ترابی	"
۲۲	"	"	عباسعلی شریفیان	چریکهای فدائی
۲۳	"	"	علی اصغر اولیائی	مجاهدین خلق
۲۴	"	"	نژاد	"
۲۵	"	"	محمد رضا هاشمیان	"
۲۶	"	"	اسدالله ملاح	"
۲۷	"	"	علی محمد ترابی	"
۲۸	قبل از ۲۷/۲	تهران	بهرام حسینی	"
۲۹	"	"	محمود کریمی	"
۳۰	"	"	محمد رضا سلطانزاده	"
۳۱	"	"	علی امیر قنبری	"
۳۲	"	"	حسین قاسمی	"
۳۳	"	"	رضا شهنشاهی	"
۳۴	"	"	فضل الله دهدشتی	"
۳۵	"	"	حمید روحانی	"
۳۶	"	"	فریدون شیوخان بیگی	"
۳۷	"	"	مصطفی مرادی	"
۳۸	"	"	علیرضا رسولی	"
۳۹	"	"	رضا راست جو	"
۴۰	"	"	ماشا الله سنجری	"
۴۱	"	"	حسین زراعی	"
۴۲	"	"	موسی عمویی	"
۴۳	"	"	مهدی حربی	"
۴۴	"	"	فریدون جلالی ابیانه	"
۴۵	"	"	عزت الله مشهدی ترهانی	"
۴۶	"	"	علی اکبر فرد	"

"	"	"	"	۴۶	رضا مقدس زاده
"	"	"	"	۴۷	محمد علی اکبری نفاقی
"	"	"	"	۴۸	سعید غیور نجف آبادی
"	"	"	"	۴۹	شمس رحمتی
اعلام نشده است	"	"	"	۵۰	احمد تیمناک
"	"	"	"	۵۱	شهرام رحانی
مجاهدین خلق	"	"	"	۵۲	خلیل لاهوتی
"	"	"	"	۵۳	میرکمال عسکری
"	"	"	"	۵۴	علی محمد عسکری
"	"	"	"	۵۵	حیدریه
بیکسار	"	"	"	۵۶	حسین علی جانی
مجاهدین خلق	"	"	"	۵۷	عباس حسن مسگر
"	"	"	"	۵۸	جلیل رحمت پور
"	"	"	"	۵۹	ایرج موسوی
"	"	"	"	۶۰	قبل از ۱/۶
"	"	"	"	۶۱	مسلح دست نشان
"	"	"	"	۶۲	مسلح مختاری
"	"	"	"	۶۳	رضا رحیمی
از شماره ۱ تا ۱۰۰ در ماه گذشته اعدام شده اند که در لیست مرداد ماه آورده نشده اند.	"	"	"	۶۴	حمید امین زاده
"	"	"	"	۶۵	عبدالله سرفی
احتمالاً همگی از	"	"	"	۶۶	عقیل ستوده
مجاهدین خلق	"	"	"	۶۷	محسن قناعت پیشه
"	"	"	"	۶۸	محمد رضا نجیب زاده
"	"	"	"	۶۹	رضا معتدی
"	"	"	"	۷۰	علی اتمام
"	"	"	"	۷۱	سعید ستوده
"	"	"	"	۷۲	حمید تقی زاده
"	"	"	"	۷۳	عقیل خلیلی
"	"	"	"	۷۴	عزیز جعفری
"	"	"	"	۷۵	نصرا الله صالحی
"	"	"	"	۷۶	نعمت الله دهدشتی
"	"	"	"	۷۷	الله کرم نیکخوا
"	"	"	"	۷۸	سعید مهدی پور
"	"	"	"	۷۹	حیدر حق پناه
"	"	"	"	۸۰	مسعود دهدشتی
"	"	"	"	۸۱	عزت الله تقی زاده
"	"	"	"	۸۲	محمدانگالی
"	"	"	"	۸۳	عبدالله رسول یوسفی شاد
"	"	"	"	۸۴	سعید کاظمی
"	"	"	"	۸۵	غلامرضا کشاورز
"	"	"	"	۸۶	علی حکمت
"	"	"	"	۸۷	علی ارجمند
"	"	"	"	۸۸	تقی آل بنی
"	"	"	"	۸۹	دا ریوش انصاری
"	"	"	"	۹۰	احمد دانش
"	"	"	"	۹۱	حاجی شاکری
"	"	"	"	۹۲	رضا مجردی
"	"	"	"	۹۳	مسعود نائینیان
مجاهدین خلق	"	"	"	۹۴	اسلام آباد
"	"	"	"	۹۵	علیرضا زمانی
"	"	"	"	۹۶	مجید قناریان
"	"	"	"	۹۷	علیرضا کاظمی
"	"	"	"	۹۸	نصرت الله ورزی
"	"	"	"	۹۹	کریم رهبر
"	"	"	"	۱۰۰	بهمن اسفندیاری
اعلام نشده است	"	"	"	۱۰۱	احمد جوروانی
"	"	"	"	۱۰۲	اصغر اصغری
"	"	"	"	۱۰۳	پرویز خداوندگار
مجاهدین خلق	"	"	"	۱۰۴	علیرضا رضایی
"	"	"	"	۱۰۵	عبدالرضا بیروانی
مجاهدین خلق	"	"	"	۱۰۶	سعید سیفی
"	"	"	"	۱۰۷	یوسف مجتبی
"	"	"	"	۱۰۸	محمود محبویی

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# زندگی و مرگ چه گوارا الهام بخش انقلابیون جهان



"مهم این نیست که مرگ ما را کجا  
غافلگیر سازد. در هر حال ما آنرا با آغوش  
باز خواهیم پذیرفت بشرط آنکه خروش رزم  
جویانه ما بگوش شنوای دیگری برسد و  
دست دیگری سلاح ما را بردوش گیرد و مردان  
دیگری برای خواندن سرود مرگ ما در میان  
رگبار مسلسلها بیاخیزند و فریادهای جنگ  
و پیروزی را طنین افکن کنند." "چیه"  
تا بهستان ۱۹۶۶ در بیام به کنفرانس سه  
قاره نهم اکتبر (۱۷ مهرماه) سال ۱۹۶۷  
قلب جوشان انقلابی بزرگ، انترناسیونال  
نالیست کبیر، چریک دلیر و خستگی ناپذیر  
ارستوچه گوارا با گلوله های مہریا لیسیم  
جهانی، در سرزمین بولیوی زتیش بساز  
ایستاد. برای لحظه ای جهان در ماتم و  
سکوت فرو رفت! اما خروش رزم جویانه سه  
میلیون تن گوش شنوا در سرا سر گیتی بیجا  
خاسته با فریادهای جنگ و پیروزی خود  
فضای جهان را پر کردند!

ارستوچه گوارا در ۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ -  
(۲۶ خرداد ۱۳۰۷) در روزاریو، دومین شهر  
بزرگ آرژانتین دیده به جهان گشود. او  
خیلی زود به یک انقلابی حرفه ای تبدیل  
شد که برای وطن در محدوده آرژانتین  
خلاصه نمیشد. چه گوارا پس از یک دوره فعالیت  
انقلابی در پیرو، کلمبیا، کستاریکا و

گواتمالا، در سال ۱۹۵۶ با فیدل کاسترو  
آشنا شد و دوش بدوش او در نبره انقلابی  
کوبا شرکت کرد و تا پیروزی نهایی  
همراه خلق کوبا جنگید. چه گوارا پس از  
پیروزی خلق کوبا عهده داریا ست بانک  
ملی این کشور و سپس وزیر صنایع کوبا شد.  
در این ماموریت مهم بود که او با زمان  
دادن اقتصاد کوبا، ارزنده ترین خدمت  
را در راه استقرار پیروزی سوسیالیسم  
در کوبا انجام داد.

او اما ده چنین وظایفی با روحیه پر  
تحرك و شورش و تفکراتش سبوتا لیستش  
سازگار نبود. او خود را وقف انقلاب جهانی  
بخصوص در آمریکا لاتین کرده بود و در راه  
به شمر رسیدن یک، ده، سده و... ویتنام در  
تلاش بود. از این رو در ۹ نوامبر سال ۱۹۶۶  
با گروهی از انقلابیون در جنگلهای  
بولیوی، مبارزه مسلحانه علیه رژیم ارتجاعی  
با ارتش کودست زد و قهرمانان علیه نیرو-  
های دولتی که مستقیما "از جانب سازمان  
جاسوسی آمریکا (سیا) هدایت میشدند  
رزمید و پس از ۱۱ ماه سرانجام دستگیر و در  
اکتبر ۱۹۶۷ بیرحمانه به قتل رسید.

چه گوارا در نامه "وداع" که دو سال  
قبل از شهادتش به پدر و مادرش نوشت به  
بهترین وجهی افکارش را در باره انقلاب،  
ما رکیسم و مبارزه مسلحانه ترسیم میکند  
و نوشت:

"با ردیگریا شنه های کفشم را ورکشید  
و سیر بدوش را به دیگری را میکوبم. تقریبا"  
ده سال پیش در چنین روزی نامه وداع -  
دیگری برایتان نوشتم، بطوریکه بیاید  
دارم از اینکه نمیتوانستم سرپا زیه تر و  
پزشک حاذق تری باشم سخت نا سف خوردم.  
اینکه پزشک حاذق تری باشم دیگر برایم  
جالب نیست. اما امروز آنچه را سرپا ز  
بدی نیستم. هیچ چیز در جوهرم تغییر نیافته  
بجز اینکه بسیار آگاه تر و مومارکسیزم در-  
من ریشه دوانده و ناب تر گشته است.

من به مبارزه مسلحانه به  
بقیه در صفحه ۱۴

## خبری از نیروی هوایی

افسران پایگاه جمع شوند و یک تیم تصفیه  
برای اتمام کار آنان را همراهی خواهد  
کرد. این پرسنل هیچکدام در این مدت  
حق ورود به پایگاه را نخواهند داشت. در  
پی اعتراضی که آنان در قبال وضعیت خود  
به مسئولین پایگاه کرده بودند که به چه  
انتها م، جریمه دلیلی ما را پاک سازی می  
کنند جواب شنیده بودند که "ما نمی دانیم  
نیروی هوایی در قبال پاک سازی پرسنل  
هیچگونه رضایت نامه شغلی در اختیار آنان  
نخواهد گذاشت.

در پی تصویب لایحه بازسازی نیروی  
انسانی در مجلس نیروی هوایی اقدام به  
اجرای آن نمود و در تاریخ ۶/۶/۶۰ با ۴۰۰  
- ۶۰۰ نفر از پرسنل را که اکثر آنان را  
همان تشکیل میدهند برای بازسازی  
در اختیار ریگانهای مربوطه قرار دادند  
(البته این آثار مربوط به یک روز فقط  
با یکا هیکم می باشد) در عرض ۴۸ ساعت به  
این پرسنل ابلاغ شد. کارت شناسایی آنان  
گرفته شد و امروز برخی اجباری به انسان  
ده شد. به آنان گفته شد که روز ۸ مهرماه  
همگی با هم برای تصفیه حساب دریا شگانه -

## پیام کانون مستقل معلمان تهران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

معلمان و دانش آموزان مبارزان  
سال تحصیلی جدید در شرایطی شروع  
میشود که رژیم جمهوری اسلامی دست به  
تهاجم گسترده ای علیه جنبش انقلابی  
زده است. هر روز دهها تن از بهترین  
فرزندان خلق به جوخه های اعدام حکومت  
اسلامی سپرده میشوند. کوچکترین مخالفت  
و اعتراضی توده ها نسبت به سیاستهای  
ارتجاعی و قرون وسطائی رژیم با زندان  
شکنجه و مرگ یا سنج داده میشود. سال تحصیلی  
جدید در حالی آغاز میشود که هزاران  
خانواده در سوگ عزیزان تیرباران شده -  
شان داغ دارند. زندانیهای رژیم جمهوری  
اسلامی مملو از بهترین نوجوانان و جوانان  
است که قلبشان برای آزادی می تپد و  
جرمشان عشق و وفاداری به توده های محروم  
ورنج دیده است هزاران دانش آموز محروم  
فعالیت سیاسی در مدرسه از تحصیل محروم  
گشته اند، حکومت جمهوری اسلامی که سعی  
دارد ایجا در عقب و وحشت در جامعه مردم  
را از محضه مبارزه دور نماید در صدد است  
تا مدارس را نیز بعنوان یکی دیگر از  
سنگرهای آگاهی و مبارزه به گورستانی  
سرد و خاموش تبدیل نماید.

امروز حکومت در پی موج شدید سرکوب  
توطئه وسیعی برای ایجاد اختناق در مدارس  
تدارک دیده است. وزیر آموزش و پرورش -  
اعلام میکند سال "حاکمیت حزب  
الله" در مدارس است و باید انجمن های  
اسلامی تأیید و تقویت شوند، معلمان و  
دانش آموزان بخوبی میدانند که انجمن  
اسلامی در سال گذشته وظیفه ای جز جاسوسی  
و مقابله با هر نوع آگاهی دانش آموزان  
نداشتند و منظور از تقویت انجمن اسلامی،  
تقویت کانونهای جاسوسی و تبدیل  
مدارس به پایگاهها و مراکز تفتیش عقاید  
قرون وسطائی می باشد. رژیم جمهوری -  
اسلامی سال گذشته علیرغم سعی و کوشش  
های فراوانی که کرد نتوانست دانش  
آموزان را وارد نماید که جاسوس  
همکلاسیهای خود باشند آنها بیشتر از  
دانش آموزان میخواهند که دوستان مبارزان  
خود را معرفی کنند.

وزیر آموزش و پرورش با وقاحت تمام  
از دانش آموزان تقاضا می کند با ساواک  
۳۶ میلیونی !!! همکاری کنند.  
از طرف دیگر حکومت که در فضای ترور  
و خفقان لایحه بازسازی را تصویب نموده  
است دست به تصفیه و اخراج وسیع معلمان  
زده است اگر سال گذشته حدود ۳۰ هزار -  
معلم محروم آگاهی بخشد به دانش آموزان  
اخراج شدند، امروز تصفیه حتی با مسل  
کسانی میشود که در مقابل اعمال ارتجاعی  
رژیم چندان عکس العملی نشان ندادند  
و معلمان اخراجی در معرض خطر دستگیری  
بقیه در صفحه ۸

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد